

تبیین تصمیم‌های راهبردی مقام معظم رهبری در امور فرهنگی

«مطالعه موردی کرسی‌های آزاداندیشی»

غلامرضا گودرزی

چکیده

از جمله جنبه‌های حساس وظایف مدیریت را می‌توان تصمیم‌گیری، ارتباطات، تنظیم و هدایت دانست. مدیریت برای تحقق کارآمد این وظایف، مبادرت به استفاده از فرایند تصمیم‌گیری در قالب نقش تصمیم‌گیری می‌کند. "هربرت سایمون"، محققى که در زمینه تصمیم‌گیری تحقیقات زیادی انجام داده است، معتقد است مدیریت و تصمیم‌گیری دو واژه هم‌معنا و مترادف هستند. به عبارت دیگر مدیر به وسیله تصمیماتش شناخته می‌شود. در واقع تصمیم‌گیری جوهره مدیریت بوده و آینده تمام‌نمای توانایی‌ها و قابلیت‌های مدیر است. از سوی دیگر ریشه‌یابی دلایل موفقیت و عدم موفقیت سازمان‌ها به تصمیم‌های اتخاذشده مدیران آن سازمان‌ها منتهی می‌شود. از این رو است که "نیومن"^۱ کیفیت مدیریت را تابع کیفیت تصمیم‌گیری می‌داند و مدعی است که تصمیم‌گیری به تنهایی، مهم‌ترین نقش مدیر است؛ زیرا کیفیت طرح و برنامه‌ها، اثربخشی و کارآمدی راهبردها و کیفیت نتایجی که از اعمال آن‌ها به دست می‌آید همگی تابع کیفیت تصمیم‌هایی است که مدیر اتخاذ می‌کند.

محور، رکن و کانون اصلی وظایف مدیریت «تصمیم‌گیری» است. این مقوله برای مدیریت، سازمان‌ها و نظام‌ها امری بسیار حیاتی و مهم محسوب می‌شود. هرچه قلمرو و دامنه اتخاذ تصمیم گسترده و چشم‌انداز آن وسیع‌تر باشد، آن تصمیم از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار خواهد بود. تصمیم‌های راهبردی دارای چنین ویژگی‌هایی هستند. و مصداق این‌گونه تصمیم‌های راهبردی را می‌توان در تصمیم‌گیری‌های حضرت امام خامنه‌ای مشاهده کرد؛ چرا که تصمیم‌های ایشان هم در محیط داخلی و هم در محیط خارجی کاملاً نمود دارد و تأثیرگذار است. نظر به اهمیت و حساسیت این تصمیم‌ها در قلمرو نظام فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و وجود خلأ تحقیقاتی در این زمینه، جا دارد برای شناخت و تبیین این تصمیم‌های راهبردی، به مطالعه و پژوهش علمی پیرامون آنها اقدام شود.

یکی از تصمیم‌های راهبردی مقام معظم رهبری پرداختن به کرسی‌های آزاداندیشی است. براساس بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اساتید دانشگاه‌ها و نخبگان علمی مبنی بر ایجاد کرسی‌های آزاد فکری معرفتی و سیاسی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها، مشخصه‌های این کرسی‌ها عبارتند از:

(۱) دانشجویی است (چند نفر دانشجو بروند حرف همدیگر را نقد کنند با همدیگر مجادله کنند از کارهایی که باید در زمینه مسائل گوناگون اجتماعی، سیاسی و علمی انجام گیرد میدان دادن به دانشجوست برای اظهار نظر/ حضرت آیت الله خامنه‌ای)

(۲) تاکنون وجود نداشته است و منظور مناظرات رایج کنونی نیست (شما کرسی آزاد فکری سیاسی را، کرسی آزاد فکری معرفتی را تو همین دانشگاه تهران، تو همین دانشگاه شریف و همین دانشگاه امیرکبیر به وجود بیاورید/ حضرت آیت الله خامنه‌ای)

(۳) غیر تخصصی است یا بهتر بگوییم لزوماً تخصصی نیست (از سه مصداقی که رهبری اشاره کردند دوتایشان دانشگاه صنعتی بودند؛ یعنی کرسی آزاد فکری معرفتی و سیاسی در دانشگاه صنعتی)

(۴) از ضایعات کشیده شدن مسائل فکری به محیط‌های عمومی جلوگیری می‌کند (اگر در محیط‌های خاص، محیط‌های آزاداندیشی و آزاد فکری مسائل تخصصی، مسائل فکری، مسائل چالش‌برانگیز مطرح بشود مطمئناً ضایعات کمتر پیش خواهد آمد/ حضرت آیت الله خامنه‌ای)

(۵) در کل فضای عقلانی و بحث منطقی را به وجود می‌آورد و موجب روشن شدن حقیقت می‌شود (حق آنجا خودش را نمایان خواهد کرد، حق این جوری نمایان نمی‌شود که کسی یک انتقادی را پرتاب بکند. این جوری که حق درست فهمیده نمی‌شود.

به همین منظور در این پژوهش، با توجه به بضاعت محقق سعی بر این است یکی از تصمیم‌های راهبردی حضرت امام خامنه‌ای در حوزه فرهنگی و به صورت مطالعه موردی (کرسی‌های آزاداندیشی) تبیین شود. به عبارت دیگر این تحقیق بر آن است تا به تبیین و در صورت امکان ارائه الگوی یکی از تصمیم‌های راهبردی مدیریت ارشد نظام که با توجه به گزینش روشی مناسب (بهترین تصمیم)، برای نیل به اهداف اساسی و عالی نظام در حوزه فرهنگی منجر می‌شود، بپردازد..

کلیدواژه‌ها: مدیریت، مدیریت راهبردی، تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری راهبردی، آزاداندیشی، کرسی‌های آزاداندیشی.

مقدمه

سپاس خداوندی را که به ما نعمت انقلاب اسلامی و بهره‌مندی از رهبری و ولایت امامان خمینی (ره) و خامنه‌ای (مدظله) را عطا فرمود.

حضرت امام خمینی (ره) از جمله کسانی بود که با تدبیر و دانش و اراده خویش، راهبردهای کم‌نظیر و تأمل‌برانگیزی را در گستره تاریخ ایران اسلامی جاری کردند و اینک فرزند خلف ایشان حضرت امام خامنه‌ای به تبعیت از آن یگانه تاریخ همان

راه را ادامه می‌دهند و با تصمیم‌های راهبردی و به موقع خود کشتی انقلاب را در تمامی بحران‌ها و تلاطم‌ها هدایت کرده‌اند و با اطمینان کامل به ساحل امن رسانده‌اند.

امروزه آنچه به عنوان علم و تئوری‌های مدیریت مطرح می‌شود، زایده افکار، اندیشه‌ها و تحقیقات صاحب‌نظران غربی است. با توجه به این مطلب، طی سال‌های اخیر اندیشمندان و محققان مسلمان نیز برای پر کردن خلأ ناشی از عدم حضور مدیریت اسلامی، تحقیقات زیادی را در این حوزه انجام داده‌اند که نتیجه آن کتب و مقالاتی (هر چند کم و محدود) است. یکی از موضوعاتی که در بحث مدیریت، جایگاه قابل ملاحظه‌ای دارد، بحث تصمیم‌گیری است که از منظر مدیریت اسلام کمتر به آن پرداخته شده است.

تصمیم‌گیری در مدیریت همواره از جهات مختلف بررسی می‌شود. این مفهوم ممکن است از دیدگاه‌های مختلف مطالعه شود، اما شاید مهم‌ترین و قدیمی‌ترین پایه تقسیم‌بندی تصمیم‌گیری مربوط به میزان اثر فرد یا گروه در تصمیم‌گیری باشد. به نظر می‌رسد این موضوع قدیمی‌ترین مباحث نظری را در دانش سیاسی شکل داده باشد؛ زیرا وقتی حدود چهار قرن قبل از میلاد، نظریه‌هایی درباره خودکامگی و مردم‌سالاری ارائه می‌شود، آنچه بیشتر از همه نمود دارد، بحث تصمیم‌گیری فردی و گروهی است.

امروزه در مدیریت، رایج‌ترین امری که هر مدیر همه روزه با آن روبه‌رو است امر تصمیم‌گیری است؛ به یک معنی جوهر مدیریت را تصمیم‌گیری می‌دانند.

بر اثر تصمیم، خط‌مشی‌ها، جریان امور و اقدامات آتی مشخص و دستورهای لازم صادر می‌شوند؛ بنابراین تصمیم‌گیری چارچوبی برای عملکرد کارکنان سازمان فراهم می‌سازد و از این رو، نقش بسیار مهمی در مدیریت ایفا می‌کند. این اهمیت تا بدانجاست که "هربرت سایمون"^۱، تصمیم‌گیری را مترادف مدیریت می‌داند و

^۱ - (Herbert Siman)

معتقد است که فعالیت و رفتار سازمانی، شبکه پیچیده‌ای از فراگردهای تصمیم‌گیری است (مقدمات مدیریت آموزشی: ۳۳). همچنین یکی دیگر از صاحب‌نظران مدیریت به نام "گریفیث"، تصمیم‌گیری را قلب سازمان و مدیریت تلقی می‌کند و معتقد است که تمام کارکردهای مدیریت و ابعاد سازمان را می‌توان بر حسب فراگرد تصمیم‌گیری توضیح داد. او معتقد است تخصیص منابع، شبکه ارتباطی، روابط رسمی و غیر رسمی و تحقق اهداف سازمان به وسیله مکانیسم‌های تصمیم‌گیری کنترل می‌شوند. از این رو، تصمیم‌گیری به منزله کلید فهم پیچیدگی‌های سازمان و عملکردهای مدیریت است (همان، ۳۴).

سؤال‌های تحقیق

*سوال‌های تحقیق عبارتند از:

پرسش اصلی: الگوی کرسی‌های آزاداندیشی از منظر مقام معظم رهبری به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی ایشان چیست؟

پرسش‌های فرعی

۱) مفهوم کرسی‌های آزاداندیشی از منظر مقام معظم رهبری به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی ایشان چیست؟

۲ عناصر کرسی‌های آزاداندیشی از منظر مقام معظم رهبری به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی ایشان کدام است؟

۳) نتایج و پیامدهای کرسی‌های آزاداندیشی از منظر مقام معظم رهبری به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی ایشان کدام است؟

۴) چه رابطه‌ای بین عناصر کرسی‌های آزاداندیشی از منظر مقام معظم رهبری به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی ایشان وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

دانش مدیریت به عنوان علمی که در تعیین سرنوشت بشریت نقش مهمی بر عهده دارد، چیزی جز فرآیندی از تصمیم‌گیری‌ها نیست. کیفیت طرح‌ها و برنامه‌ها و اثربخشی و کارآمدی راهبردها و نتایج حاصل از آنها همگی تابع تصمیم‌هایی

هستند که مدیر اتخاذ می‌کند. بدیهی است هرچه بعد تصمیم‌گیری وسیع‌تر باشد، شعاع و دامنه اثرگذاری آن بیشتر و گسترده‌تر خواهد بود. از این جهت، تصمیم‌های راهبردی در سطح نظام اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار خواهد بود. از سوی دیگر نظام جمهوری اسلامی ایران، به مقتضای ماهیت متفاوت، نظامی متمایز و ویژه است که این تمایز و ویژگی سبب شده تا مدیران عالی نظام در معرض شتاب و شدت بیشتری از نامعلومی‌ها و پیچیدگی‌ها قرار داشته باشند. در چنین وضعیتی، مدیریت و تصمیم‌گیری راهبردی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند تا بتوان با استفاده از آن، از فرصت‌های محیطی بهره‌جست و با تهدیدها مقابله کرد و آنها را به فرصت و قوت برای نظام اجتماعی مبدل ساخت. و از طرفی حضرت امام خامنه‌ای به عنوان رهبر این نظام اسلامی در عالی‌ترین سطح مدیریت این نظام نقش دارند و به دلیل حضور در میدان عمل و تصمیم‌گیری در سطوح خرد و کلان توانسته‌اند سیره عملی خود را در این زمینه به اثبات برسانند، بی‌تردید شناخت تصمیم‌های راهبردی ایشان و معرفی آن به مدیران جامعه اسلامی می‌تواند راه‌گشا باشد.

از آنجاکه جامعه ما جامعه‌ای اسلامی است و نیازمند الگوی مدیریتی مناسب با بینش و منش اسلامی است، حضور کارآمد کرسی‌های آزاداندیشی از جمله نیازهای کنونی جامعه ایران است که به ابتکار مقام معظم رهبری بر لزوم آن در مجامع و محافل علمی و دانشگاهی به عنوان یک گفتمان هدایتگر تأکید می‌شود.

بنابراین جهت تأکید بر نقش اساسی و کانونی رهنمودها و تدابیر مقام معظم رهبری در اجرای کرسی‌ها و استفاده از ظرفیت‌های سایر مراکز علمی و آموزشی در اجرای کرسی‌ها و ایجاد رقابت بین استادان و گروه‌های دانشجویی در برگزاری کرسی‌ها و تشویق و حمایت از کرسی‌های موفق و معطوف نمودن برنامه کرسی‌ها به ارتقای کیفیت و نشاط در محیط دانشگاه بر آن شدیم که گامی به سوی تدبیر در یکی از دغدغه‌های مقام معظم رهبری طی چند سال اخیر برداریم. امید است این گام کوچک محقق در حوزه یکی از تصمیم‌های راهبردی مقام معظم

رهبری و تبیین و ارائه الگوی کرسی‌های آزاداندیشی راه‌گشای دیگر محققان برای ادامه دادن راه در این دریای پرگهر باشد. ان‌شالله

اهداف تحقیق

با توجه به اهمیت و حساسیت تصمیم‌های راهبردی حضرت امام خامنه‌ای در قلمرو نظام فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و وجود خلأ تحقیقاتی در این زمینه، جا دارد برای شناخت این تصمیم‌ها و به کارگیری آنها در حوزه‌های گوناگون جامعه به مطالعه و پژوهش علمی پیرامون آنها اقدام شود. به همین منظور اهداف پژوهش عبارتند از:

هدف اصلی:

تبیین و ارائه الگوی کرسی‌های آزاداندیشی مقام معظم رهبری به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی ایشان

هدف‌های فرعی:

- ۱) شناسایی مفهوم الگوی کرسی‌های آزاداندیشی مقام معظم رهبری به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی ایشان
- ۲) شناسایی عناصر الگوی کرسی‌های آزاداندیشی مقام معظم رهبری به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی ایشان
- ۳) شناسایی نتایج و پیامدهای الگوی کرسی‌های آزاداندیشی مقام معظم رهبری به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی ایشان
- ۴) شناسایی روابط بین عناصر الگوی کرسی‌های آزاداندیشی مقام معظم رهبری به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی ایشان
- ۵) معطوف کردن توجه محققان، دانش‌پژوهان و متخصصان علم مدیریت، به بررسی تصمیم‌های راهبردی امام خامنه‌ای در حوزه فرهنگی و حوزه‌های دیگر
- ۶) تألیف و عرضه خلاصه‌ای مدون، منسجم و ساده پیرامون کرسی‌های آزاداندیشی به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی امام خامنه‌ای در حوزه فرهنگی

۱- مدیریت

مدیریت، معادل واژه انگلیسی management (علم و هنر اداره کردن سازمان‌های اجتماعی) است. این واژه در دهه ۱۵۹۰-۱۶۰۰ وارد زبان انگلیسی شد و از این تاریخ به بعد رایج شد. علم مدیریت در دنیای امروز به سبب نتایج ارزشمند -از به کارگیری صحیح آن برای سازمان‌های مختلف- از رشد و توسعه چشمگیری برخوردار شده است. امروزه بسیاری از نظریه‌پردازان و اندیشمندان توسعه، مدیریت را مهم‌ترین رکن تحول و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی جوامع دانسته، بر این اساس، برای رشد و گسترش آن، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی کرده‌اند.

در تعریف مدیریت نظرگاه‌های مختلفی به چشم می‌خورد. برخی از بزرگان این علم نظیر "جرج موریس" می‌گویند: «مدیریت را می‌توان علم و هنر متشکل کردن و هماهنگ نمودن و رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته جمعی به منظور نیل به اهداف مطلوب، با حداکثر کارایی تعریف کرد».

در مجموع دیدگاه‌های مختلف در باب مفهوم مدیریت، گویای آن است که مدیریت ترکیبی است از هنر و علم و مرز میان این دو بدین صورت تبیین می‌شود که برای اداره سازمان‌های اجتماعی باید با تئوری‌ها و اصول و روش‌های علم مدیریت آشنا بود و در واقع علم مدیریت را صحیح آموخت و بعد در به کارگیری این علم باید از قابلیت‌های فردی یا هنر اعمال مدیریت بهره جست. از این رو آشنایی با اصول علم مدیریت و همچنین هنر به کارگیری علم به خصوص در اداره منابع انسانی، اساس اداره مطلوب سازمان‌های اجتماعی است. در ادامه بعضی از تعاریف مدیریت عبارتند از:

- هنر انجام دادن کار به وسیله دیگران (مری فالت - ۱۹۲۴)؛
- فرایند تبدیل اطلاعات به عمل (فورستر - ۱۹۶۲)؛
- فرایند هماهنگ‌سازی فعالیت فردی و گروهی برای تحقق هدف‌های گروهی (دانلی)؛
- هماهنگ‌سازی منابع انسانی و مادی در جهت تحقق هدف‌ها (کاست)؛

- هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول به اهداف سازمانی به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد (جعفری)؛

- فرایند به کارگیری مؤثر و کارای منابع انسانی و مادی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، تصمیم‌گیری، هدایت و کنترل در چارچوب ارزش‌های جامعه (رضاییان).

۱-۱- وظایف مدیران

مهم‌ترین وظایف یک مدیر که از طریق انجام مطلوب آنها قادر به اداره سازمان خواهد بود به شرح زیر است:

(۱) **تصمیم‌گیری:** تصمیم‌گیری، فراگردی که طی آن، شیوه عمل خاصی برای حل مسأله یا مشکل ویژه‌ای، برگزیده می‌شود (استونر، ۱۹۸۲: ۲۳).

(۲) **برنامه‌ریزی:** عبارت از فرایند تعیین برنامه‌هایی برای انجام یک‌سری فعالیت‌ها برای دستیابی به مقاصد مورد نظر است. برنامه ریزی شامل تعیین اهداف، وضع خط‌مشی‌ها و تبدیل هدف به صورت برنامه عملیاتی و چگونگی اجرا و کنترل آن است و در سطوح مختلف مدیریتی معنا و کاربرد خاصی دارد.

(۳) **سازماندهی:** عبارت از فرایند تقسیم کار و تعیین ارتباط و وظایف هر شغل با مسئولیت و اختیارات آن و تعیین چگونه گزارش‌دهی و گزارش‌گیری بین واحدها و قسمت‌های مختلف یک سازمان است.

(۴) **کنترل:** عبارت از مقایسه و تشخیص فعالیت‌های انجام‌شده با ملاک‌ها و استانداردهای از قبل تعیین‌شده، برای کسب اطمینان از صحت انجام فعالیت‌ها و در صورت لزوم انجام اصلاحات لازم است. امروز علاوه بر کنترل‌های گذشته‌نگر، در حین اجرا و آینده‌نگر، مفهوم خودکنترلی در ادبیات مدیریت، جایگاه ویژه‌ای یافته است. در این مفهوم هر فرد بر اساس علایق و ارزش‌های خویش به حدی بر حسن انجام فعالیت‌های خود تأکید می‌کند که نیاز به کنترل دیگری ندارد و خود به کنترل فعالیت‌های خویش می‌پردازد.

۵) **هدایت و رهبری:** به معنی آشنا کردن افراد با وظایف محوله و ایجاد ارتباط عاطفی و صمیمی با کارکنان و تحریک انگیزه‌ها و نفوذ در قلب و ذهن افراد است، به گونه‌ای که تضادها و تنش‌ها حل شود و افراد با علاقه کامل، به کار و فعالیت در سازمان بپردازند.

۲-۱- اهمیت مدیریت در اسلام

نویسندگان و صاحب‌نظرانی که در قلمرو مدیریت اسلامی و دیدگاه‌های اسلام در مورد مدیریت قلم زده‌اند هر یک به فراخور برداشت‌ها و ذهنیت‌های خود از اسلام، مبانی اخلاقی و سیره پیامبر(ص) و معصومین(ع) به طور مستقیم و یا غیرمستقیم تعاریف و یا توضیحاتی را ارائه داده‌اند که نوعی مفهوم مدیریت اسلامی از آن مستفاد می‌شود. با توجه به این‌که دامنه این برداشت‌ها و تعریف‌ها (که بیشتر بر محور ارزش‌ها و مبانی اخلاقی مکتب اسلام و سیره پیشوایان دین قرار داشته‌اند) گسترده و از نظر نوع نگاه نیز (در عین نزدیک به هم بودن) متنوع است در ادامه به تعدادی از تعریف‌های ارائه شده در مورد مدیریت اشاره می‌شود:

"افجه‌ای" مدیریت اسلامی را مقوله‌ای مکتبی می‌داند و وظیفه مکتب نیز از نظر او رایه راه‌حلی است که با مفهوم عدالت‌خواهی سازگار است (فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۲۱ و ۲۲، ص ۱۰).

مرروی سطحی به تاریخ صدر اسلام، جنگ‌ها، تلاش‌های برنامه‌ریزی شده پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) نشان می‌دهد که این مسائل مورد توجه قرار داشته است. همچنانکه در ایران، یونان، مصر، روم، چین باستان و سایر تمدن‌های کهن نیز مورد توجه بوده است و این‌که این موارد در اوایل این قرن دسته‌بندی و سازماندهی شده‌اند به این معنی نیست که خاستگاه آنها هم منحصرراً کشورهای غربی در قرن بیستم و بیست‌ویکم هستند.

ابزار، قوانین اولیه، وظایف و... مدیر در هر جامعه و تمدن در چارچوب‌های که تا حدود زیادی به هم نزدیک هستند قابل دسته‌بندی است و به هیچ تمدن و قومی منحصر نمی‌شود.

با توجه به موارد مذکور، به نظر نمی‌رسد مواردی از قبیل برنامه‌ریزی، سازماندهی، کنترل و... که از وظایف مدیریت به شمار می‌رود و سایر اصول مورد توجه به مدیریت غربی، از نظر عملکرد و اجرا با آنچه که در مدیریت اسلامی به مورد اجرا گذشته می‌شود منافات داشته باشد. نکته اصلی این‌که در مدیریت اسلامی اقلامی دیگر نیز همسنگ وظایف مدیر و اصول مدیریت اهمیت داشته و در مواردی اولویت و جلوه بیشتری می‌یابد.

آنچه مسلم است در مدیریت از دیدگاه اسلام، اخلاق و مسائل اخلاقی - ارزشی اهمیتی بیش از کسب هدف (تولید) دارند. به عبارت بهتر در اولویت بالاتری قرار گرفته‌اند. این نکته، به ویژه در شرایطی که توجه به مسائل اخلاقی و رعایت ارزش‌های انسانی که در نظریه‌های رفتارگرایان نیز مورد تأکید قرار گرفته و توجه به آن روندی صعودی یافته است، حائز اهمیت خاصی است.

۲- راهبرد (استراتژی)

۲-۱- راهبرد

راهبرد در مدیریت را می‌توان ابزاری دانست که جوامع یا سازمان‌ها می‌توانند بدان وسیله به هدف‌های بلندمدت خود دست یابند.

راهبرد، عبارت از تعیین هدف‌ها و آرمان‌های بلندمدت و اساسی یک سازمان است (چندلر ۱۹۶۲).

راهبرد، مجموعه‌ای از انتخاب بنیادی یا حساس، درباره نتایج یک فعالیت و ابزار انجام آن است (چایلد ۱۹۷۲).

راهبرد، عبارت از سبک کار و هماهنگی بین قابلیت‌های نهفته و درونی سازمان با محیط بیرونی‌اش است (کی ۱۹۹۹).

تمامی تصمیم‌های مربوط به اهداف سازمان و راه‌های رسیدن به آن تصمیم‌های راهبردی است (دراکر ۱۹۵۵).

۲-۲- مفاهیم کلیدی راهبرد: سه مفهوم کلیدی راهبرد؛ مزیت رقابتی، قابلیت‌های متمایز و هماهنگی راهبردی هستند.

۲-۳- ماهیت و عناصر راهبرد

راهبرد در ماهیت، نقشه عملیاتی است که برای دستیابی به یک نتیجه نهایی طراحی شده است؛ نیتی خاص که تدابیری برای اجرای آن اندیشیده‌اند. عناصر راهبرد نیز از سه عنصر اهداف، راه‌ها و ابزار تشکیل می‌شود.

۲-۴- قواعد حاکم بر تهیه راهبرد

- ۱) هدف‌گرایی: هر راهبرد باید سمت‌گیری و به سوی آرمان‌ها و اهداف داشته باشد.
- ۲) جامعیت در موضوع: هر راهبرد باید کل موضوعات مربوط به خود را از ابتدا تا انتها پوشش دهد.
- ۳) سیاست‌مداری: راهبرد باید در چارچوب سیاست باشد.
- ۴) اصول‌محوری: راهبرد باید بر مبنا و محور قواعد و دکترین باشد.
- ۵) قانون‌مندی: هر راهبرد باید بر مبنای قانون، آیین‌نامه یا روش مصوب باشد.
- ۶) برخورد با عوامل بازدارنده: هر راهبرد ناظر به مقابله با تهدید باشد.
- ۷) اتکا به عوامل پیش‌برنده: هر راهبرد با عوامل همسو و پیش‌برنده خود هماهنگ باشد و از فرصت‌ها استفاده کند و متکی به نقاط قوت باشد.
- ۸) قابلیت طرح، برنامه و اجرا: هر راهبرد باید در دامنه زمانی خاص قابلیت تبدیل به طرح، برنامه و اجرا داشته باشد.

۲-۵- گام‌های اساسی در طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی راهبرد

- ۱) تعیین اهداف آرمانی (از منابع اسلامی، قانون اساسی رهنمودهای امام (ره) و مقام معظم رهبری)؛
- ۲) تعیین سیاست‌های کلان؛
- ۳) بررسی وضع موجود و مطلوب (ادامه روند) بر حسب شاخص‌های کیفی و بعضاً کمی؛
- ۴) فهرست نمودن نقاط قوت، ضعف، فرصت، تهدید و الویت‌بندی آنها؛
- ۵) تعیین اهداف قابل دسترسی؛
- ۶) تعیین سیاست‌ها؛
- ۷) تعیین اصول و قواعد.

۳- تصمیم‌گیری

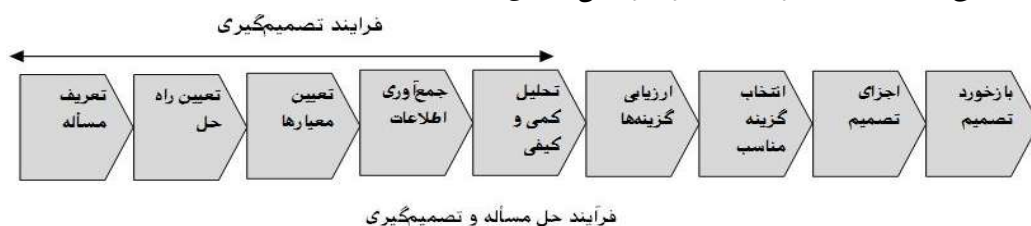
تصمیم‌گیری، فراگردی است که طی آن، شیوه عمل خاصی برای حل مسأله یا مشکل ویژه‌ای، برگزیده می‌شود (استونر، ۱۹۸۲: ۲۳).

امروزه بخش مهمی از وقت و کار مدیران صرف حل مشکل و تصمیم‌گیری می‌شود، به طوری که می‌توان گفت وظایف اساسی برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل نیز مستلزم تصمیم‌گیری است.

برخی از اندیشمندان، وظایف اصلی مدیر را به پنج بخش تقسیم می‌کنند: برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری، بسیج منابع، و کنترل و نظارت (مشبکی، ۱۳۷۹). گروهی نیز وظیفه مدیریت را در نوآوری و خلاقیت خلاصه کرده‌اند (گودرزی، ۱۳۷۹). اما از مهم‌ترین وظایف مدیر و شالوده وظایف مذکور، تصمیم‌گیری است (آذر، ۱۳۷۹). این وظیفه قابل واگذاری به غیر نیست؛ چراکه اگر مدیری تصمیم‌گیری نکند، عملاً مدیریت نخواهد کرد. از این رو مدیریت را می‌توان علم و هنر گرفتن تصمیم‌های منطقی، به موقع، قاطع و اثربخش برای نیل به اهداف سازمان از طریق به کارگیری منابع و امکانات دانست (گودرزی، ۱۳۸۲).

در قرآن، سه مرحله (فرآیند) برای تصمیم‌گیری بیان شده است: (۱) مشورت؛ (۲) اتخاذ تصمیم؛ (۳) توکل بر خداوند (سوره آل عمران - آیه ۱۵۹).

شکل زیر فرآیند تصمیم‌گیری در عمل را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشخص است فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان، جزئی از فرایند حل مسأله و می‌توان گفت از مهم‌ترین اجزای آن است. آنچه در فرآیند تصمیم‌گیری از اهمیت برخوردار است، تعریف دقیق مسأله و راه‌حل‌های مناسب آن است؛ زیرا اشتباه در تعریف مسأله یا حدس زدن راه‌حلی که مناسب نباشد (به دلیل هزینه، امکانات، پیش‌نیازها، نتایج و...) می‌تواند در انحراف سایر مراحل نقش بنیادی داشته باشد.



۱-۳- انواع تصمیم

صاحب‌نظران مختلف علم مدیریت از انواع تصمیم، طبقه‌بندی‌های مختلفی ارائه داده‌اند. مشهورترین طبقه‌بندی از ایگورانسف است که آنها را به سه دسته تقسیم می‌کند: (۱) تصمیمات عملیاتی؛ (۲) تصمیمات اداری؛ (۳) تصمیمات راهبردی (مارتین: ۱۳۷۱: ۷۱-۷۲).

"بووی" تصمیم‌ها را (از نظر شرایط محیطی و میزان دسترسی به اطلاعات) به چهار دسته زیر تقسیم می‌کند:

(۱) تصمیم‌گیری در وضعیت اطمینان؛ (۲) تصمیم‌گیری در وضعیت مخاطره؛ (۳) تصمیم‌گیری در وضعیت عدم اطمینان؛ (۴) تصمیم‌گیری در وضعیت ابهام (بووی، ۱۹۹۳: ۱۷۷)، که در آن هر وضعیت خاص نیازمند به کارگیری روشی ویژه برای اتخاذ تصمیم است.

۲-۳- متغیرهای عمده تصمیم‌گیری

متغیرهای تصمیم‌گیری عبارتند از: (۱) موقعیت تصمیم‌گیری؛ (۲) دست‌اندرکاران تصمیم‌گیری؛ (۳) سازمان تصمیم‌گیری؛ (۴) فرایند تصمیم‌گیری؛ (۵) نتیجه تصمیم‌گیری.

۴- تصمیم‌گیری راهبردی

تصمیم‌گیری راهبردی، علاوه بر واژه تصمیم‌گیری، راهبرد را نیز در بر دارد. از این رو توضیح مختصری پیرامون واژه راهبرد بیان می‌شود.

اصطلاح راهبرد، مترادف واژه لاتین «استراتژی» است که خود، از کلمه یونانی "استراتگوس" به معنی فرمانده لشکر گرفته شده است. بر این اساس قدیمی‌ترین تعریف راهبرد عبارت است از:

"هنر فرماندهان، تدابیر و تاکتیک‌های نظامی" (کرمی ۱۳۸۱: ۴). به تدریج واژه راهبرد از حوزه نظامی به اقتصاد و از آنجا وارد مباحث بازرگانی و مدیریت شد و

مبنای "مدیریت راهبردی" در سازمان شد. ویلیام گلوک (۱۹۸۴)، استاد مدیریت در دانشگاه جورجیا آن را چنین تعریف می‌کند:

- تصمیم‌های راهبردی، تصمیم‌های هستند که سازمان در هنگام انتخاب محورهای رقابتی هماهنگ با فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی اتخاذ می‌نمایند (اشموس ۱۹۹۸: ۱۲).

- تصمیم‌گیری راهبردی جهت‌گیری رو به آینده دارد و در رسیدن به اهداف با عدم قطعیت شدید مواجه است (هریسون ۱۹۹۹: ۳۱۹).

- تصمیم‌گیری راهبردی، تصمیمی است که هدف آن حفظ بلندمدت سازمان، در محیطی رقابتی و متغیر و متضمن سرعت واکنش بالا و مدبرانه باشد (گودرزی، ۱۳۸۳).

- تصمیم‌گیری راهبردی، تصمیم‌گیری روی منافع اساسی و اصولی سازمان است که به تحولات تغییرات بلندمدت و اثربخش آن منتهی شود (منوریان-۱۳۷۵: ۳۰).

- تصمیم‌گیری راهبردی، تصمیم‌گیری با دو نگرش کلی؛ حل مسائل فعلی و قابلیت حل مشکلات آتی مسائل سازمانی (منوریان-۱۳۷۵: ۳۰).

- تصمیم‌گیری راهبردی، تصمیم‌گیری در حوزه فعالیت‌های محوری سازمان است (ریچارد-۱۳۷۲: ۴۲).

- تصمیم‌گیری راهبردی، فرآیندی است که به گزینش روش و اقدام مناسب برای اجرا منجر می‌شود. الگوی کلی و نظری فرآیند تصمیم‌گیری راهبردی مبتنی بر تعیین هدف یا هدف‌ها، بررسی و تجزیه و تحلیل محیط داخلی و خارجی سازمان، شناسایی و تشخیص مسأله (تهدیدها، فرصت‌ها و روندها) و ارائه راهکارهای ممکن و ارزیابی و انتخاب راه‌کار مناسب برای اجرا است (دهقانی پوده ۱۳۷۸: ۷).

- تصمیم‌گیری راهبردی، فرآیندی است مبتنی بر بررسی و تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی نظام توسط مدیریت ارشد نظام که به گزینش روشی مناسب برای نیل به اهداف اساسی و عالی نظام منجر می‌شود.

۱-۴- ویژگی‌های تصمیم‌های راهبردی

- ویژگی‌های اصلی تصمیم‌های راهبردی عبارتند از:
- ۱) تصمیم‌های راهبردی فاقد «ساخت» و «نامتعارف» اند.
 - ۲) تصمیم‌های راهبردی برای سازمان اهمیت ویژه‌ای دارند.
 - ۳) تصمیم‌های راهبردی عموماً بسیار «پیچیده» اند (شوانک، ۱۳۷۰: ۱۲).
- به غیر موارد بالا ویژگی‌های عمده تصمیم‌های راهبردی نیز به اختصار عبارتند از:
- ۱) این تصمیم‌ها جهت‌گیری طولانی‌مدت دارند و جهت آنها متوجه آینده و هدف‌های عالی سازمان یا نظام است.
 - ۲) به دلیل تغییرات محیطی و ماهیت پیچیده آنها، در وضعیت عدم قطعیت اتخاذ می‌شوند.
 - ۳) مسئولیت تصمیم‌های راهبردی بر عهده مدیران ارشد سازمان است.
 - ۴) این تصمیم‌ها، اغلب جدید، پیچیده، گسترده و شامل متغیرهای کنترل‌نشده هستند (حمیدی زاده ۱۳۷۷: ۴۱).
 - ۵) فاقد ساختار و نامتعارف هستند.
 - ۶) برای سازمان از اهمیت زیادی برخوردارند.
 - ۷) باید مبتنی بر روندهای وسیع محیطی، پویای‌های رقابتی، توانمندی‌ها و ضعف‌های سیستم در هر یک از زمینه‌های کارکردی و ارزش‌های مدیریت باشند (شوانک ۱۳۷۷: ۱۱).
 - ۸) قسمت عمده اطلاعاتی که برای تصمیم‌گیری راهبردی استفاده می‌شود، کیفی، کلامی و دارای ضعف مستندسازی هستند (ابویی و عباسی ۱۳۸۰: ۲۰۲).
 - ۹) در تصمیم‌گیری راهبردی، بقای بلندمدت سازمان پویایی و ارتقا سازمان مطرح است؛ زیرا صرف حفظ کوتاه‌مدت سازمان یا حفظ عملکرد موجود طی زمان در محیط رقابتی کارگشا نیست.
 - ۱۰) تصمیم‌گیری راهبردی در امور حیاتی سازمان به طور مستقیم تأثیر دارد، نه به شکل غیر مستقیم؛ زیرا استخدام یک فرد خاص می‌تواند به شکلی غیر مستقیم در سازمان مؤثر باشد، ولی یک تصمیم راهبردی نخواهد بود، در حالی‌که اگر مسأله انتخاب مدیر عامل شرکت مطرح باشد، بی‌شک تصمیم راهبردی محسوب می‌شود.

- ۱۱) رقابت، ویژگی محیط‌های امروزی است، اما نمی‌توان آن را برای سالیان دیگر نیز تعمیم داد. تغییر، یگانه اصل تاریخ بشری است و تطبیق سریع با آن از ویژگی‌های تصمیم‌گیری راهبردی است.
- ۱۲) تصمیم راهبردی باید مدبرانه و ضمن انعطاف‌پذیری و سرعت بالای واکنشی، از شتابزدگی و ناپختگی به دور باشد.
- ۱۳) مینتز برگ در پژوهش توصیفی، مهم‌ترین مشخصه تصمیم‌گیری راهبردی را ابهام، تازگی، پیچیدگی و عدم محدودیت دانسته است (ریچارد-۱۳۷۲: ۳۱).
- ۱۴) نیازمند قابلیت‌های پاسخگویی سریع در موقعیت‌های بحرانی است.
- ۱۵) فعالیتی گروهی است شامل فعالیت‌هایی از قبیل ایده‌زایی جمعی، حل گروهی مسأله، مذاکره و مدیریت بحران.
- ۱۶) در محیط‌های پرآشوب و بی‌نظم و پویا ملازم بررسی محیطی جامع است.
- ۱۷) به نظر هریسون یک تصمیم راهبردی موفقیت‌آمیز، تصمیمی است که به رغم محدودیت‌های زمانی، هزینه‌ای و محیطی به حصول اهدافی منتج شود (هریسون، ۲۰۰۰: ۱۲).
- ۱۸) تصمیم راهبردی برون‌مدار و روی طبیعت تعامل سازمان و محیط متمرکز است.
- ۱۹) تصمیم راهبردی، سازمان را به منزله یک کل واحد، تحلیل می‌کند.
- ۲۰) تصمیم راهبردی ماهیت چندکارکردی دارد (گودرزی، ۱۳۸۶: ۴۳).

۲-۴- ابعاد و نگرش‌های تصمیم‌گیری راهبردی

- مسائل راهبردی معمولاً از شش بُعد قابل تشخیص دارند:
- ۱) مسائل راهبردی نیاز به تصمیم‌های مدیران سطح بالا دارد.
 - ۲) مسائل راهبردی منابع زیادی را در سازمان به خود اختصاص می‌دهند (حاضر، ۱۳۷۳: ۳۲).
 - ۳) مسائل راهبردی آینده‌نگر هستند (پیرس و رابینسون، ۱۳۷۶: ۷۶).
 - ۴) مسائل راهبردی در شکوفایی بلندمدت سازمان مؤثرند (حاضر، ۱۳۷۳).
 - ۵) مسائل راهبردی معمولاً پیامدهای عمده چند وظیفه‌ای یا چند کسب‌وکاری دارند (پیرس و رابینسون، ۱۳۷۶: ۷۶).
 - ۶) مسائل راهبردی در نظر گرفتن عوامل محیط خارجی مؤسسه را ضروری می‌سازند (همان).

ردیف	نگرش	تلقی از تصمیم	هدف تصمیم‌گیری	مشخصه اصلی تصمیم
۱	فلسفی	ملاک خوبی	یقین خوب یا بد بودن یک پدیده	باید ملاک مناسبی برای سنجش پدیده‌ها باشد
۲	اقتصادی	عامل مطلوبیت	افزایش مطلوبیت	در جهت بهینه‌سازی مطلوبیت فاکتورهای اقتصادی است
۳	مذهبی	عامل صلاح	قرب الهی	تصمیم باید در راه رشد و تعالی فرد اخذ شود
۴	سیاسی	عامل سرنوشت‌ساز	حفظ و ارتقای مناسبات سیاسی	تصمیم باید در جهت حفظ منافع باشد
۵	مدیریتی	وظیفه مدیر	حفظ، توسعه و بهبود سازمان	تصمیم باید ضامن حفظ توسعه و بهبود سازمان باشد

نگرش‌های مختلف تصمیم‌گیری (گودرزی، ۱۳۸۶)

۵- آزاداندیشی

حضور کارآمد کرسی‌های آزاداندیشی از جمله نیازهای کنونی جامعه ایران است که به ابتکار مقام معظم رهبری بر لزوم آن در مجامع و محافل علمی و دانشگاهی به عنوان یک گفتمان هدایت‌گر تأکید می‌شود.

شناخت مفهوم دقیق و متقن آزاداندیشی از مفاهیمی است که در درجه نخست می‌بایست به تبیین آن همت گماشت. بدون شناسایی دقیق این مفهوم و درک زوایای آن و نیز الزاماتی که طی این فرایند می‌بایست بدان ملتزم شد، نایل شدن تبیین و بیان مفهوم، عناصر و نتایج و پیامدهای آزاداندیشی قابل تحقق و دستیابی نخواهد بود.

بی‌تردید روابط و تعاملات زندگی اجتماعی نوین با شیوه‌های زندگی سنتی و کلاسیک تفاوت‌های اساسی و ملموسی پیدا نموده است. تفکر و اندیشه انسان امروز دیگر در قالب سنتی و کلیشه‌ای که به پذیرش مطلق و بی‌چون و چرای مفاهیم، بسنده نماید، به راحتی نمی‌گنجد. زندگی اجتماعی پیچیده و روابط و تعاملات غامض تعریف‌شده در آن نیازهای جدید و پرسش‌های نوینی را در مخیله غایت‌طلب انسان می‌گشاید که بدون پاسخ‌دهی صحیح به آن این افکار و شبهات می‌تواند او را به ورطه سنگلاخی اعوجاج ذهنی و تشویش خاطر سوق دهد.

۱-۵- آزادی

معنای لغوی: واژه آزادی در لغت به معنای حریت و اختیار خلاف بندگی، رقیت، عبودیت، اسارت و اجبار و همچنین به معنای قدرت عمل و ترک عمل و قدرت انتخاب بیان شده است (دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۲۵، ج ۲، ۸۶).

معنای اصطلاحی: واژه آزادی مأخوذ از معنای لغوی آن است و بر همین اساس تعاریف اصطلاحی مختلفی از آن ارائه شده است که نمی‌توان بر تعریفی خاص اتفاق نظر یافت، با این حال در یک تعریف ساده و فارغ از هرگونه تقید می‌توان آزادی را به فقدان مانع در راه خواسته‌های انسان تعریف کرد؛ آزادی یعنی اینکه انسان کاری را که بخواهد بتواند انجام دهد و مانعی در راه آن نباشد و قادر باشد چیزی را انتخاب کند و از چیز دیگری در گذرد (لک‌زایی، ۱۳۸۲: ۲۱).

۲-۵- آزادی در آیات و روایات

۱) آزادی والاترین جلوه برای حرمت انسان: قرآن کریم آزادی را والاترین جلوه برای حرمت انسان و نقطه قوت و امتیاز او می‌شناسد و در گفتگو، از آن به عنوان مبنای اساسی یاد می‌کند و توجه به آن را از مهم‌ترین وظایف پیامبران در دعوت انسان‌ها به سوی حق می‌داند و از ایشان می‌خواهد: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ

الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْمُفْلِحُونَ (سوره اعراف/۱۵۷)؛ همان کسانی که از این فرستاده و پیامبر درس ناخوانده خط ننوشته، کسی که (نام و نشانه های نبوت) او را در نزد خود در تورات و انجیل نوشته می یابند پیروی می کنند (پیامبری) که آنها را به هر کار پسندیده فرمان می دهد و از هر کار زشت باز می دارد و پاکیزه ها (ی مادی و معنوی) را بر آنها حلال می کند و ناپاک و پلیدها (ی مادی و معنوی) را بر آنها حرام می کند، و بار سنگین و زنجیرهایی را که بر گردنشان است (رسوم جاهلیت و احکام سخت شرایع گذشته را) از دوش آنها برمی دارد. پس کسانی که به او ایمان آورند و تعظیمش نمایند و یاریش کنند و از نوری که با او فرو فرستاده شده (کتاب او) پیروی نمایند، آنها را رستگارند.»

۲) رسیدن به هدایت، از طریق انتخاب آزادانه صحیح: خدای سبحان با دادن عقل به انسان و فرستادن پیامبران و کتاب‌های آسمانی، راه حق و باطل، راه هدایت و رستگاری و گمراهی و بدبختی را به انسان نشان داده است تا آزادانه بیندیشد و با انتخاب خود راه صحیح را برگزیند: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (سوره کهف، آیه ۲۹)؛ بگو: این حق است از سوی پروردگارتان! هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را بپذیرد) و هر کس می‌خواهد کافر شود.»

۳) مردم همگی آزادند: امام سجاده (ع) می‌فرماید: «ایها الناس ان آدم لم یلد عبدا ولا امه ان الناس کلهم احرار؛ ای مردم! حضرت آدم کسی را برده و یا کنیز به دنیا نیاورده است و تمام مردم همگی آزادند» (الفروع من الکافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب الکلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ه. ش، ج ۸، ص ۶۹؛ کتاب الروضة، ح ۲۶).

۴) علاقه‌مندی و کوشش برای گفتگو، خصلت بنیادین و ذاتی انسان: «يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (سوره نحل/۱۱۱)؛ بر اساس این آیه شریفه، قرآن علاقه‌مندی و کوشش برای گفتگو را از جمله خصلت‌های بنیادین و ذاتی انسان می‌داند، خصلتی که در سخت‌ترین و نفسگیرترین شرایط نیز در انسان وجود دارد.

از جمله ویژگی‌های انسانی در قیامت مبادرت به مجادله است؛ بدین‌سان در قیامت خصلت‌های عرضی انسان رنگ می‌بازند و آنچه در نهاد او ذاتی است، آشکار می‌شود و مجادله چون در قیامت نشانه ذاتی و فطری بودن گفتگو در بشر است، خود را نمایان می‌سازد.

۵) آزادگی عالی‌ترین هدف انسانی: امام صادق(ع) می‌فرمایند: کسی که شب را به صبح آورد و غیر از آزادگی خود، به فکری دیگر باشد، بداند که عالی‌ترین هدف انسانی را کوچک و خوار شمرده است؛ زیرا آزادگی اندیشه، با توجه به خداوند متعال توأم است و عدم توجه به آزادی فکر و ارزش این نعمت الهی باعث می‌شود میل انسان به سود ناچیزی معطوف شود (اصول کافی- ابی جعفر بن یعقوب بن اسحاق کلنی رازی- جلد ۱)- صفحه‌های ۱۳ و ۴۸ جلد ۲- (صفحه ۸۹).

۶- کرسی آزاداندیشی

۶-۱- معنای لغوی و اصطلاحی کرسی آزاداندیشی

تعریف اول: طبق فرهنگ فارسی معین، کرسی به معنی تخت و یا درس تخصصی یک استاد دانشگاه است و لغت آزاد نیز به معنی رها و وارسته آمده است. لغت اندیشه نیز به معنی تفکر و تأمل عنوان شده است و از نظر اصطلاحی و مفهومی نیز کرسی آزاداندیشی به معنی ایجاد فضایی برای طرح نظرات و اندیشه‌های گوناگون در فضای مبتنی بر منطق و برای بحث در خصوص مباحث مختلف و به نمایش گذاشتن تفکرات گوناگون است.

تعریف دوم: نشستی که طی آن، حوزویان و دانشگاهیان به صورت آزاد، نظام‌مند، منطقی و عالمانه به اظهار نظر، تبادل آرا و گفتگو در موضوعی خاص با اهدافی خاص می‌پردازند.

۶-۲- سابقه تاریخی کرسی آزاداندیشی

دکتر زرین‌کوب در مورد مباحثه (کرسی‌های آزاداندیشی) مسلمین و اهل علم با یکدیگر و با سایر علمای ادیان دیگر می‌نویسد: اهمیتی که دین در نزد مسلمین

داشت و به آن جهت همه چیز دیگر در واقع فرع و تابع آن محسوب می‌شد، سبب گشت که اهل تحقیق توجه خاصی به عقاید و مذاهب اقوام مختلف پیدا کنند و این نکته همراه با ارتباط و تماس دایم و روزانه‌ای که مسلمین با پیروان ادیان و شرایع وارد یا موجود در قلمرو اسلام داشتند، منتهی شد به پیدایش علم ملل و نحل، و علم کلام.

مطالعه علمی در ادیان و مذاهب اقوام مختلف، در واقع به وسیله مسلمین به وجود آمد و برای به وجود آمدن آن هم تسامح محیط اسلامی اوایل اهل عباسیان و شور و شوق مأمون خلیفه و معتزله بغداد لازم بود.

در حالی که چندی پیش اموی‌ها جعد بن درهم و غیلان دمشقی را در ظاهر به اتهام عقاید بدعت‌آمیز و در واقع به سبب اتهامات سیاسی هلاک می‌کردند، در اوایل عهد عباسیان مجلس مأمون خلیفه، محل بحث آزاد بود در باب عقاید و مذاهب مختلف. درست است که این تسامح فکری مانع از آن نبود که خلیفه با بعضی از عقاید که مخالف اسلام می‌دانست مبارزه کند، اما فی‌المثل خشونت‌ی که در محنة احمد بن حنبل نشان داد بعد از بحث و فحص علمی بود.

در هر حال، در روزهای سه‌شنبه بنابر مشهور، علما و محققان از اهل فکر و دیانات و مقالات در بارگاه این خلیفه حاضر می‌آمدند. در حجره‌ای خاص جمع می‌شدند، طعام می‌خوردند و دست می‌شستند، آنگاه به مناظره می‌نشستند و در حضور خلیفه با نهایت آزادی سخن می‌گفتند، چون شب فرا می‌رسید، دیگر بار طعام می‌خوردند و پراکنده می‌شدند. در این مجالس پیروان و پیشوایان ادیان مختلف حاضر می‌شدند چنانکه از غیر مسلمین گه‌گاه کسانی امثال «آذر فرنبغ» پیشوای مجوس و «یزدان‌بخت» پیشوای مانویه هم در آن راه داشتند، حتی یکی از ابالیش زندیک هم که از آیین مجوس برگشته بود، در این مجالس ممکن بود با موبد بزرگ زرتشتی در حضور مأمون گفت و شنود کند. مأمون این‌گونه مناظرات را وسیله عمده می‌شمرد در جستجوی حقیقت، و بر خلاف امثال هشام اموی، معتقد بود که غلبه بر خصم باید به حجّت باشد نه به قدرت؛ زیرا، غلبه‌ای که به

حجت حاصل آید هیچ چیز نمی‌تواند آن را از میان ببرد. این مجالس که گاه در طی آنها حتی امام علی بن موسی الرضا(ع) با ثنویه یا نصارا احتجاج می‌کرد طبیعی بود که می‌خواست مباحثات راجع به ادیان و مذاهب را مورد توجه مسلمین سازد. درست است که این مناظرات - و علاقه خلیفه به این گونه مجالس - از عهد متوکل به بعد از بین رفت و خلفا و سلاطین دیگر هم جز در موارد نادر بدین کار توجه نکردند، اما علاقه به این گونه مسائل در بین علما باقی ماند و کتاب‌ها و رساله‌هایی در مباحث مربوط به این مناظرات تألیف شد و علم کلام راه واقعی مجادله به احسن را که عبارت از ایراد ادله مناسب و موافق افهام و عقول مختلف باشد، یافت.

احتجاجات مسلمین اگر همه جا با موازین جدال به احسن منطبق نبوده لااقل غالباً مبتنی بود بر مطالعه اناجیل بود. اما در اروپا که تا قرن دوازدهم هیچ ترجمه لاتینی از قرآن در دست نبود، احتجاجات اسکولاستیک‌ها مبتنی بود بر مسموعات و حتی اتهامات. در قرن سیزدهم میلادی، بارتلمی ادسای، هنوز در ردّ یک تن مسلمان نسبت به شارع اسلام تهمت‌هایی بی‌اساس و نامعقول ذکر می‌کرد، که حاکی بود از آفت عدم شناخت اسلام.

اقوال اسکولاستیک‌های قرون وسطی را در باب اسلام، مجموعه‌ای است از اتهام‌های ناروا و جاهلانه، و این مایه ضعف منطق را حتی توماس داکونیا که خود به خواهش یکی از رؤسای دومینیکن رساله در ردّ مسلمین نوشت نیک در می‌یافت.

همین نابغه واقعی الهیات وقتی در صدد تألیف کتابی برمی‌آید تا به قول خود مسلمانان اندلس را از طریق براهین و ادله طبیعی و عقلی به حقانیت دیانت مسیح و بطلان عقاید مسلمین متوجه کند، احساس می‌کند که جز با استدلال و قیاس نمی‌تواند این تعهد را به انجام رساند. خودش می‌گوید سبب آن است که یهود را می‌توان از روی تورات مجاب و متقاعد کرد، اهل بدعت از نصارا را هم می‌توان با ادله و شواهد منقول از انجیل به راه آورد، اما با مسلمین - که این حکیم بزرگ اسکولاستیک از روی خطا آنها را در ردیف کفار و مشرکان به شمار می‌آورد - جز با ادله عقلی که پسند طبع سلیم باشد احتجاج نمی‌توان کرد.

مسلمین از روی تورات و انجیل ادله‌ای بر صحت نبوت خاصه اقامه می‌کردند و در عین حال با تسامح و وسعت نظر هوشیارانه اعتراض‌های منکران را می‌شنیدند.

در قلمرو اسلام، احتجاجات تنها با یهود و نصارا نبود. مجوس به ویژه در ایران بعد از ساسانیان، نیز در این مناظرات وارد بودند. در بین مسلمین مناظره با ثنویه مجوس و ردّ عقاید و آرا آنها مورد توجه معتزله بود، چنانکه ابوالهذیل علاف بنابر روایات، بالغ بر شصت رساله در مجادله با مجوس تألیف نمود. به علاوه مجوس میلاس نام را - که برای وی یک مجلس مناظره با بعضی علمای ثنوی آراسته بود - به اسلام درآورد و در داستان این مناظره کتابی به نام میلاس نوشت.

خود مأمون نیز با مجوس گه‌گاه مناظره می‌کرد. چنانکه گویند، در خراسان مجوسی بر دست وی اسلام آورد و مأمون او را با خویشتن به عراق برد، آنجا مجوس مرتد شد و مأمون او را بخواست و با او مناظره کرد و به اسلام بازش آورد. مسأله‌ای که در مناظره با مجوس و ثنویه مطرح می‌شد فلسفی و اخلاقی بود و با آنکه مجادله با مجوس بعدها دنبال نشد، اما این همه، مناظرات مسلمین با اهل دیانات و مقالات گوناگون رنگ فلسفی داد و به ویژه جنب‌وجوش معتزله به این مباحثات رنگ علمی خاصی بخشید.

در هر حال، از همین مناظرات با اهل دیانت بود که علم کلام نشأت یافت. این مناظرات اگر هم به قدر اخلاقیات و معنویات پیشوایان اسلام در تشویق منکران به قبول اسلام تأثیر نداشت، لاقلاً بعضی عقول مردد را از تزلزل نجات داد. به علاوه وقتی مسلمین به فلسفه هم آشنایی یافتند و در مناظرات نیز ادله طرفین تنقیح شد از مجموع آنها غیر از کلام، علل و نحل حاصل آمد که شکل اسلامی تاریخ ادیان بود.

در ایام مأمون، مسلمین با همان شور و شوقی که به هندسه و منطق روی آوردند به عقاید و مذاهب هم توجه کردند. خود خلیفه با بردباری و خردمندی به دلایل و اقول دو طرف گوش می‌کرد و آنها را در مناظرات از بدزبانی و درشت‌خویی منع می‌کرد.

فرقه معتزله که بعضی خلفا مثل مأمون و واثق نیز از آنها حمایت می‌کرده‌اند در مسائل راجع به عقاید غالباً راه‌حلهایی ابتکاری عرضه کرده‌اند و از این لحاظ عنوان آزادفکران در اسلام یا تعقل‌گرایان اسلام که بعضی اهل تحقیق به آنها داده‌اند، چندان گراف نیست.

۳-۶- اهداف کرسی‌های آزاداندیشی

(۱) نهادینه‌سازی آزادی بیان و تضارب آرا با رعایت اخلاق و منطق گفتگو؛
(۲) ایجاد فرصت قانونی و عادلانه برای عرضه آزادانه آرا، دیدگاه‌ها و سؤال‌های پیرامون موضوعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه از دیدگاه‌ها و با رویکردهای مختلف دیگر (مانند: بهداشت و درمان، امور سلامت، آموزش پزشکی) و آگاهی از نظرات دیگران؛

(۳) تقویت روحیه حقیقت‌جویی، آزادگی و قانون‌گرایی؛
(۴) سامان‌دهی مباحثات و گفتگوها با صبغه علمی؛
(۵) ایجاد فضای مناسب برای طرح و بیان اندیشه‌های نو، تفکر خلاق و فرهنگ نوآور.

۴-۶- راهبردهای کرسی‌های آزاداندیشی

(۱) تأکید بر نقش اساسی و قانونی رهنمودها و تدابیر مقام معظم رهبری در اجرای کرسی‌ها؛

(۲) استفاده از ظرفیت‌های سایر مراکز علمی و آموزشی در اجرای کرسی‌ها؛
(۳) ترغیب استادان و گروه‌های دانشجویی به مشارکت فعال در برگزاری کرسی‌ها؛
(۴) ایجاد رقابت بین استادان و گروه‌های دانشجویی در برگزاری کرسی‌ها؛
(۵) تشویق و حمایت از کرسی‌های موفق؛

(۶) معطوف نمودن برنامه کرسی‌ها به ارتقای کیفیت و نشاط در محیط دانشگاه؛
(۷) آسیب‌شناسی و پایش مستمر پس از اجرای کرسی‌ها؛
(۸) رعایت مقتضیات محیطی و محلی در برگزاری کرسی‌ها.

۵-۶- مشخصه‌های کرسی‌های آزاد فکری

با توجه به بیانات رهبری (در جمع اساتید دانشگاه‌ها و نخبگان علمی) مبنی بر ایجاد کرسی‌های آزاد فکری معرفتی و سیاسی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها، پنج مشخصه می‌توان برای این کرسی‌ها برشمرد:

(۱) دانشجویی است (چند نفر دانشجو بروند حرف همدیگر را نقد کنند با همدیگر مجادله کنند. از کارهایی که باید در زمینه مسائل گوناگون اجتماعی، سیاسی و علمی انجام گیرد میدان دادن به دانشجویست برای اظهار نظر.)؛

(۲) تاکنون وجود نداشته است و منظور مناظرات رایج کنونی نیست (شما کرسی آزاد فکری سیاسی را، کرسی آزاد فکری معرفتی را تو همین دانشگاه تهران، تو همین دانشگاه شریف و همین دانشگاه امیرکبیر به وجود بیاورید.)؛

(۳) غیر تخصصی است یا بهتر بگویم لزوماً تخصصی نیست (از سه مصداقی که رهبری اشاره کردند دوتایشان دانشگاه صنعتی بودند؛ یعنی کرسی آزاد فکری معرفتی و سیاسی در دانشگاه صنعتی)؛

(۴) از ضایعات کشیده شدن مسائل فکری به محیط‌های عمومی جلوگیری می‌کند (اگر در محیط‌های خاص، محیط‌های آزاداندیشی و آزاد فکری مسائل تخصصی، مسائل فکری، مسائل چالش برانگیز مطرح بشود بی‌شک ضایعات کمتر پیش خواهد آمد.)؛

(۵) در کل فضای عقلانی و بحث منطقی را به وجود می‌آورد و موجب روشن شدن حقیقت می‌شود. (حق آنجا خودش را نمایان خواهد کرد، حق این جوری نمایان نمی‌شود که کسی یک انتقادی را پرتاب بکند. این جوری که حق درست فهمیده نمی‌شود.)

۶-۶- اهمیت و ضرورت کرسی‌های آزاداندیشی

(۱) اهمیت آزاداندیشی بر اساس کتاب و سنت

- آزادی اندیشه در قالب امر به تفکر، تعقل، تدبر و مانند آن در بیش از ۳۰۰ آیه از آیات قرآن کریم مطرح شده است و مهم آنکه ذات مقدس الهی، نزول قرآن را برای هدف تعقل و تدبر معرفی می‌نماید.

نمونه آیات موجود در باب تفکر:

- «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (سوره یوسف آیه ۲).

- «اولم یتفکروا فی انفسهم»؛ آیا آنان درباره خویشتن نمی‌اندیشند (روم آیه ۸).
 - «افلم یسیروافی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون بها»؛ آیا در روی زمین سیر نمی‌کنند تا برای آنها دل‌هایی باشد که به وسیله آن تعقل نمایند (حج آیه ۴۶).
 - «فبشر عبادالذین یستمعون القول فیستبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله و اولئک هم اولوالباب» (سوره زمر آیه ۱۷ و ۱۸)؛ پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، اینانند که خدایشان را هدایت نمود و اینانند همان خردمندان.

این آیه که مردم را به شنیدن سخنان و متابعت از احسن آنها دعوت می‌کند، در حقیقت از موقعیت سخن‌ها و فرصت گفتگو و تبادل افکار و امکان طرح نظریات موافق و مخالف سخن خبر می‌دهد؛ زیرا در صورتی متابعت احسن میسر است که چندین راه و کلام وجود داشته باشد و استماع همه آنها به وقوع پیوندد.

- «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی و سبحان الله و ما انا من المشرکین» (سوره یوسف آیه ۱۰۸)؛ این آیه شریفه که در ادامه داستان حضرت یوسف آمده است، به پیامبر اسلام (ص) فرمان می‌دهد که: «بگو این راه من است که با بصیرت و بینش، همگان را به سوی خدا دعوت می‌کنم، من و هر کسی که راه به اجر گزیند و دعوت مرا دنبال کند و پاک است خدای و من از مشرکان نیستم».

نکته ممتاز این سخن دعوت با بصیرت و آگاهی است؛ چراکه پیامبر دیگران را به صورت کورکورانه دعوت نمی‌کند و از روی تقلید و در فضای محدود و اجبار، به خدا هدایت نمی‌سازد. در موقعیتی آنها را دعوت می‌کند که راه‌های گوناگون را دیده و شنیده‌اند و قادرند از میان آنها یک راه را برگزینند و با همان شیوه و ارزش مردم را به آن راهنمایی می‌کند.

- در مقابل افرادی که تدبیر ندارند را توبیخ می‌کند: «أَفَلَا یَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (سوره محمد آیه ۲۴)؛ آیا به آیات قرآن نمی‌اندیشند یا [مگر] بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است.

- «واذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل الله و الى الرسول قالوا حسبنا ما وجدنا عليه آباءنا و اولو كان آباؤهم لايعلمون شيئا ولا يهتدون» (سوره مائده آیه ۱۰۴)؛ گاه به آنان گفته می‌شود که به سوی آنچه خدا فرو فرستاده و به سوی پیامبر روی آرید، گویند: آنچه پدران خویش را بر آن یافته‌ایم ما را بس؛ هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانسته‌اند و راه نمی‌شناخته‌اند.

- تفکر، مقدمه‌ای در رسیدن به یقین و معرفت: امام صادق(ع) در این باره می‌فرمایند: «مثل المشوره مع اهلها مثل التفكير في خلق السماوات و الارض لانه كلما قوى المتفكر فيها غاص في بحر نور المعرفة و ازداد بها اعتبارا او يقينا»؛ مشورت با اهلش مانند تفکر در آفرینش آسمان و زمین است که هرچه انسان از تفکر قوی‌تر برخوردار باشد، در دریای نور معرفت و شناخت فروتر رفته و بر یقین و معرفت او افزوده‌تر می‌شود.^۲

۲) اهمیت آزاداندیشی از دیدگاه مقام معظم رهبری

- آزاداندیشی راهکاری در جهت تمدن‌سازی اسلامی و رشد علم و تولید فناوری و فرهنگ:

• اگر بخواهیم در زمینه گسترش و توسعه واقعی فرهنگ و اندیشه و علم حقیقتاً کار کنیم، احتیاج داریم به اینکه از مواهب خدادادی و در درجه اول آزاداندیشی استفاده کنیم (بیانات در دیدار اعضای انجمن اهل قلم ۱۳۸۱/۱۱/۰۷).

• بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفتگوی آزاد با «حمایت حکومت اسلامی» و «هدایت علما و صاحب‌نظران»، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود (پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی ۱۳۸۱/۱۱/۱۶).

^۲- برای اطلاع در باب اهمیت آزاداندیشی از دیدگاه قرآن و روایات رجوع کنید به بررسی اهمیت و ضرورت آزاداندیشی از دیدگاه قرآن و روایات

• [علاوه بر شورای مدیریت حوزه علمیه قم] از شورای محترم انقلاب فرهنگی و به ویژه ریاست محترم آن نیز می‌خواهم که این ایده را در اولویت دستور کار شورا برای رشد کلیه علوم دانشگاهی و نقد متون ترجمه‌ای و آغاز «دوران خلاقیت و تولید» در عرصه علوم و فنون و صنایع و به ویژه رشته‌های علوم انسانی و نیز معارف اسلامی قرار دهند تا زمینه برای اینکار بزرگ به تدریج فراهم شود و دانشگاه‌های ما بار دیگر در صف مقدم تمدن‌سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فناوری و فرهنگ، قرار گیرند (پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه پردازی ۱۳۸۱/۱۱/۱۶).

• خوب؛ برای این‌که انسان به قله برسد، راه وجود دارد؛ باید آن راه را شناخت. هیچ مانعی ندارد که ما یک نقشه راهنما داشته باشیم و بگوییم راه‌هایی که به قله می‌رود، اینهاست و این نقشه راهنما را در جیبمان نگه‌داریم و از آن حفاظت کنیم. این‌کار به معنای این نیست که ما متحجریم، بلکه به معنای این است که ما عاقلیم و می‌دانیم که بدون این نقشه هدایت، حرکت کردن نااندیشیده ما را به سقوط منتهی خواهد کرد؛ بنابراین، این کارها لازم است. امروز ما احتیاج مبرمی داریم به این‌که تفکر آزاداندیشانه که با آن فرهنگ و علم تولید خواهد شد و گسترش و توسعه واقعی پیدا خواهد کرد در جامعه رشد پیدا کند و بتواند استعداد‌های افراد را به سمت خود جذب نماید. امیدواریم که عناصر مستعد با همت و با توکل چه در حوزه، چه در دانشگاه قدر این کارها را بدانند (بیانات در دیدار اعضای انجمن اهل قلم ۱۳۸۱/۱۱/۰۷).

• وظیفه حتمی دیگر دولت اسلامی، گسترش علم و دانایی است؛ چون دولت اسلامی بدون گسترش علم و دانایی به جایی نخواهد رسید. گسترش آزاداندیشی هم مهم است. واقعاً انسان‌ها باید بتوانند در یک فضای آزاد فکر کنند. آزادی بیان تابعی از آزادی فکر است. وقتی آزادی فکر بود، به‌طور طبیعی آزادی بیان هم هست. عمده، آزادی فکر است که انسان‌ها بتوانند آزاد بیندیشند. در غیر فضای آزاد فکری، امکان رشد وجود ندارد. برای فکر، برای علم، برای میدان‌های عظیم

پیشرفت بشری اصلاً جایی وجود نخواهد داشت. ما در مباحث کلامی و مباحث فلسفی هر چه پیشرفت داشتیم، در سایه مباحثه و جدل و بحث و وجود معارض داشتیم. اشکالی که ما همواره به بخش‌های فرهنگی داشته‌ایم این بوده که به نقش خودشان به عنوان یک دولت اسلامی در صحنه، کارزار فکری درست عمل نمی‌کنند. کارزار فکری باید باشد؛ منت‌ها کارزار فکری عملاً به این شکل درنیاید که ما به قول سعدی، سگ را بگشاییم و سنگ را ببندیم؛ حربه را از دست اهل حق و اهل آن فکری که حق میدانیم، بگیریم؛ اما دست اهل باطل را باز بگذاریم که هر بلایی می‌خواهند، سر جوان‌های ما بیاورند؛ نه، او حرف بزند، شما هم حرف بزنید و در جامعه فکر تزریق کنید. ما به تجربه دریافته‌ایم که آنجا که سخن حق با منطق و آرایش لازم خودش به میدان می‌آید، هیچ سخنی در مقابل آن تاب پهلوی زدن و مقاومت کردن نخواهد داشت (در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران ۸/۶/۸۴).

• آزادی را نباید بد معنا کرد. آزادی یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است که یکی از شعبش آزاداندیشی است. بدون آزاداندیشی این رشد اجتماعی، علمی، فکری و فلسفی امکان ندارد (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۲۹/۳/۸۵).

- برای بیدار کردن عقل جمعی، چاره‌ای جز مشاوره و مناظره نیست (پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه پردازی ۱۶/۱۱/۱۳۸۱).

- برای علاج بیماری‌ها و هتاک‌ها و مهار هرج و مرج فرهنگی نیز بهترین راه، همین است که آزادی بیان در چارچوب قانون و تولید نظریه در چارچوب اسلام، حمایت و نهادینه شود (همان).

- انقلاب اسلامی آمد تا هم «فرهنگ خفقان و سرجنبنایدن و جمود» و هم «فرهنگ آزادی بی‌مهار و خودخواهانه غربی» را نقد و اصلاح کند و حریت و تعادل و عقلانیت و انصاف، سکه رائج شود: من عمیقاً متأسفم که برخی میان مرداب «سکوت و جمود» با گرداب «هرزه‌گویی و کفرگویی»، طریق سومی نمی‌شناسند و گمان می‌کنند که برای پرهیز از هر یک از این دو، باید به دام دیگری

افتاد. حال آن‌که انقلاب اسلامی آمد تا هم «فرهنگ خفقان و سرجنابیدن و جمود» و هم «فرهنگ آزادی بی‌مهاری و خودخواهانه غربی» را نقد و اصلاح کند و فضایی بسازد که در آن، «آزادی بیان»، مقید به «منطق و اخلاق و حقوق معنوی و مادی دیگران» و نه به هیچ چیز دیگری، تبدیل به فرهنگ اجتماعی و حکومتی گردد و حریت و تعادل و عقلانیت و انصاف، سکه رائج شود تا همه اندیشه‌ها در همه حوزه‌ها فعال و برانگیخته گردند و «زاد و ولد فرهنگی» که به تعبیر روایات پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان (علیهم‌السلام)، محصول «تضارب آرا و عقول» است، عادت ثانوی نخبگان و اندیشه‌وران گردد. به ویژه که فرهنگ اسلامی و تمدن اسلامی همواره در مصاف با معضلات جدید و نیز در چالش با مکاتب و تمدن‌های دیگر، شکفته است و پاسخ به شبهه نیز بدون شناخت شبهه، ناممکن است (همان).

- کرسی‌ها عامل تشویق افراد به خلاقیت و اجتهاد: باید «تولید نظریه و فکر»، تبدیل به یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه شود و در قلمروهای گوناگون عقل نظری و عملی، از نظریه‌سازان، تقدیر به عمل آید و به نوآوران، جایزه داده شود و سخنانشان شنیده شود تا دیگران نیز به خلاقیت و اجتهاد، تشویق شوند (همان).

- بدنه دانشجویی هم به‌طور غالب انسان‌های معتقدی هستند اما منمی‌خواهم غالب یا بیش از غالب بدنه دانشجویی کشور، مجموعه‌ای متعهد و دارای احساس مسئولیت نسبت به آرمان‌های دانشجویی باشند. یکی از این آرمان‌ها مسأله علم است؛ دومی عدالتخواهی است و آرمان سوم، آزاداندیشی و آزادیخواهی است (در دیدار جمعی از اعضای تشکل‌ها، کانون‌ها، نشریات، هیئت‌های مذهبی و شماری از نخبگان دانشجویی ۸۲/۸/۱۵).

- این که ما هر سالی را به نامی و با شعاری موسوم می‌کنیم و سال را با این نام و با این شعار آغاز می‌کنیم، صرفاً یک عمل تشریفاتی نیست. البته اسم‌ها مهم نیست؛ مهم مسماست؛ لیکن این نامگذاری‌ها به ما و ملت و مسئولان نشان می‌دهد که چه می‌خواهیم و به دنبال چه هستیم یا باید به دنبال چه باشیم. سال رفتار علوی، هدف والای ملت ایران و تکلیف بزرگ مسئولان و دولتمردان را مشخص می‌کند. سال خدمت‌رسانی یا سال پاسخگویی، همه خطوطی را که مسئولان کشور و همه ما باید دنبال کنیم، به ما نشان می‌دهد این شعارها در واقع مطالبات ملت از ما

تبیین تصمیم‌های راهبردی مقام معظم رهبری در امور فرهنگی...

مسئولان است. اگر نهضت عدالتخواهی مطرح می‌شود، یا اگر نهضت نرم‌افزاری و تولید علم به عنوان یک جنبش عمومی مطرح می‌شود یا اگر نهضت آزاداندیشی مطرح می‌شود، برای این است که همه مسئولان و همه آحاد ملت احساس کنند که در این جهت مسئولیت دارند. کشور به این شعارها نیاز دارد. البته می‌دانیم که بسیاری از این شعارها در سال‌های خود به طور کامل تحقق پیدا نکرده است؛ لیکن کارهای زیادی هم صورت گرفته است. هر سال باید با تجربه‌های سال‌های پیش، هم ملت و هم دولت راه خود را به سمت هدف‌های والای این ملت و این کشور طی کنند و گام‌ها را محکم‌تر و استوارتر بردارند (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در صحن جامع رضوی ۱/۱/۱۳۸۴).

- آزاد فکری و تولید علم و امثال اینها، آرمان جوان است و برای اینکه به این آرمان برسد، به علم و فعالیت سیاسی منظم و صحیح و کسب تجربه و دانایی احتیاج دارد. جوان باید در خود دانایی را به وجود بیاورد. دانایی، فقط علم آموختن نیست؛ دانایی به اندیشمندی هم ارتباط پیدا می‌کند، باید روی مسائل فکر کرد. عزیزان من! روی مسائل فکر کنید تا به نتیجه برسید. نهضت آزادفکری‌ای که من پیشنهاد کردم در دانشگاه و حوزه راه بیفتد، برای همین است. تربیون‌های آزاد بگذارند و با هم بحث کنند، منتها نه متعصبانه و لجوجانه و تحریک شده به وسیله جریان‌های سیاسی و احزاب سیاسی که فقط به فکر آینده کوتاه‌مدت و مقاصد خودشان هستند و برای انتخابات و امثال آن از جوان‌ها استفاده می‌کنند؛ بلکه برای پخته شدن، ورز خوردن و ورزیده شدن و با هدف آماده‌شدن برای ادامه این راه طولانی و دشوار، اما بسیار خوش‌عاقبت (در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۸۴/۲/۱۹).

- امروز شعار جمهوری اسلامی، آزادفکری است؛ توسعه علم و معرفت است؛ توجه به حقوق انسان‌ها و اختیارات انسان‌هاست؛ مهربانی و مهرورزی میان افراد انسان است؛ این‌ها شعار و پیام اسلام است، دنیا دنبال این‌هاست. منطق امام بزرگوار ما، منطق عقل، منطق فکر، منطق عمل روش نبینانه، منطق انسانیت و

هنجار انسانی و اخلاق انسانی و فضائل اخلاقی بود؛ دنیا دنبال این است. مظهر بیداری اسلامی کسانی نیستند که با چهره عبوس و گرفته خود با همه دنیا - حتی با مومنین و مسلمین - مواجه می‌شوند؛ عده‌ای تکفیر می‌کنند؛ عده‌ای را با قوم گرایی عده‌ای را با طایفه گرایی، عده‌ای را به بهانه‌های نادرست مورد تهاجم قرار می‌دهند (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۵/۳/۲۹).

- شیعه، عقلانی و با آزادفکری رشد کرده است؛ این را باید قدر دانست و دنبال کرد: آزاد فکری و عقلانیت شیعه، این دو عنصر در کنار هم، مایه افتخار ماست. تفکرات شیعه، عقلانی است. ما از اول تشیع در تعالیم ائمه (ع) به سوی عقل، منطق و استدلال سوق داده شدیم و همین‌طور هم باید عمل بکنیم؛ حتی در فقه. شما ببینید شاگردان برجسته امام صادق (ع) و امام باقر (ع) در مواردی با حضرت طوری حرف می‌زدند که حضرت با آنها استدلالی حرف می‌زدند. «يعرف هذا و اشباهه من كتاب الله عزوجل: ما جعل عليكم في الدين من حرج»؛ یعنی به «زراره» یاد می‌داد که این‌طوری باید از کتاب خدا استفاده کنی؛ یعنی امام روش اجتهاد و استنباط از قرآن را به او یاد می‌دهد. ما از اول این طوری رشد کردیم؛ شیعه، عقلانی و با آزادفکری رشد کرده است؛ این را باید قدر دانست و دنبال کرد (دیدار روحانیون استان سمنان ۸۵/۸/۱۷).

- کرسی آزاداندیشی و برنامه پنج ساله توسعه: پیش روی بودن دومین پنج سال از سند چشم‌انداز دوره‌ای بیست ساله کشور و ابلاغ بعضی از سیاست‌های کلی اصولی مانند سیاست‌های کلی اصلی ۴۴ از یک طرف و بعضی تحولات جهانی از طرف دیگر اقتضا می‌کند که هرچه زودتر قانون برنامه‌ای پنج ساله پنجم کشور با جهت‌گیری دستیابی به اهداف مرحله‌ای متناسب با سند چشم‌انداز بیست ساله تهیه گردد. اینک سیاست‌های کلی برنامه پنجم که باید مبنای تهیه و تدوین قانون برنامه‌ای پنج ساله پنجم توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران باشد، ابلاغ می‌گردد. تحول در نظام آموزش عالی و پرورش در موارد زیر:

- تحول و ارتقا علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و باانگیزه، اصلاح و بازنگری در متون و برنامه‌ها و روش‌های آموزشی، ارتقای کمی و کیفی مراکز و فعالیتهای پژوهشی و ترویج نظریه‌پردازی، نقد و آزاداندیشی (ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه توسط رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۷/۱۰/۲۱).

- جلوگیری از کشانده شدن ضایعات مسائل فکری و چالش‌برانگیز به محیط‌های عمومی و اجتماعی: یکی دیگر از کارهایی که باید در زمینه مسائل گوناگون اجتماعی و سیاسی و علمی انجام بگیرد، میدان دادن به دانشجویان برای اظهارنظر. از اظهارنظر هیچ نباید بیمناک بود. این کرسی‌های آزاداندیشی که ما گفتیم، در دانشگاه‌ها باید تحقق پیدا کند و باید تشکیل بشود. اگر چنانچه بحث‌های مهم تخصصی در زمینه سیاسی، در زمینه‌های اجتماعی، در زمینه‌های گوناگون حتی فکری و مذهبی، در محیط‌های سالمی بین صاحبان توان و قدرت بحث مطرح بشود، مطمئناً ضایعاتی که از کشاندن این بحث‌ها به محیط‌های عمومی و اجتماعی ممکن است پیش بیاید، دیگر پیش نخواهد آمد. وقتی با عامه مردم، افراد مواجه می‌شوند، همه نمی‌توانند خودشان را حفظ کنند. مواجهه با عامه مردم، انسان‌ها را دچار انحراف‌ها و انحطاط‌ها و لغزش‌های زیادی می‌کند که متأسفانه ما شاهد بودیم. خیلی از افرادی که شما می‌بینید در مواجهه با عامه مردم یک حرفی می‌زنند، یک چیزی می‌گویند، در اعماق دلشان ای بسا خیلی اعتقادی هم ندارند. به تعبیر بعضی‌ها جوگیر می‌شوند؛ این خیلی چیز بدی است. اگر در محیط‌های خاص، محیط‌های آزاداندیشی و آزادفکری، این مسائل مطرح بشود - مسائل تخصصی، مسائل فکری، مسائل چالش‌برانگیز - مطمئناً ضایعات کمتر پیش خواهد آمد (دیدار با اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۸/۶/۸).

- حق، آنجا خودش را نمایان خواهد کرد: چند نفر دانشجو بروند آنجا حرفشان را بزنند، حرف همدیگر را نقد کنند، با همدیگر مجادله کنند. حق، آنجا خودش را نمایان خواهد کرد. حق اینجوری نمایان نمی‌شود که کسی یک انتقادی را پرتاب

بکند. اینجوری که حق درست فهمیده نمی‌شود. ایجاد فضای آشفته ذهنی با لفاظی‌ها هیچ کمکی به پیشرفت کشور نمی‌کند (بیانات در جلسه با نخبگان سال ۸۸/۶/۸).

- آزادی واقعی فکرها عامل پیشرفت کشور: شما تجربه این پدر پیرتان را در این زمینه داشته باشید. آنی که کمک می‌کند به پیشرفت کشور، آزادی واقعی فکرهاست؛ یعنی آزادانه فکر کردن، آزادانه مطرح کردن، از هو و جنجال نترسیدن، به تشویق و تحریض این و آن هم نگاه نکردن. یک وقت شما یک حرفی می‌زنید، ناگهان می‌بینید همه ناظران سیاسی جهان که وجودشان انباشته از پلیدی و خباثت است، برای شما کف می‌زنند. به این تشویق نشوید. به قول رایج بین جوان‌ها، جوگیر نشوید. بحث درست بکنید، بحث منطقی بکنید. سخنی را بشنوید، سخنی را بگویید؛ بعد بنشینید فکر کنید. این همان دستور قرآن است. «فبشر عباد. الذین يستمعون القول فيتبعون احسنه». سخن را باید شنید، بهترین را انتخاب کرد. و آلا فضای جنجال درست کردن، همین می‌شود که دیدید. جنجال قبل از انتخابات، بعد از انتخابات، انعکاسش می‌شود (بیانات در جلسه با نخبگان سال ۸۸/۶/۸).

- آزاداندیشی خاصیت علمی بودن است و تحجر در میدان علم، اصولاً معنا ندارد (در دیدار جمعی از اساتید، فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم ۸۹/۸/۲).

- فکر کنید، بگویید، بنویسید و کرسی‌های آزاداندیشی که من صد بار تأکید کردم، راه بیندازید: فکر شما و کاری که کردید و راه نویی که پیدا کردید، پیشنهادی که به نظرتان رسیده، تأثیرگذاری‌اش فقط این نیست که این فوراً به دستگاه اجرایی منتقل بشود و فوراً یک ترجمه عملیاتی بشود و اجرایی و عملیاتی شود؛ نه، این تنها تأثیر نیست. یکی از مهم‌ترین تأثیرات همین فکر کردن‌ها این است که شما فضا سازی می‌کنید، گفتمان سازی می‌کنید. در نتیجه، در یک فضای معتقد به یک مبنای فکری یا عملی، رئیس جمهور هم همان جور فکر می‌کند، وزیر هم همان جور فکر می‌کند، مدیرکل هم همان جور فکر می‌کند، کارکنان هم همه همان جور فکر می‌کنند؛ این خوب است. و شما این کار را انجام می‌دهید. فکر کنید، بگویید، بنویسید، در مجامع خودتان منعکس کنید؛ آن کرسی‌های آزاداندیشی را که من صد

بار - با کم و زیادش - تأکید کردم، راه بیندازید و اینها را هی آنجا بگویید؛ این می‌شود یک فضا. وقتی یک فضای گفتمانی به وجود آمد، همه در آن فضا فکر می‌کنند، همه در آن فضا جهت‌گیری پیدا می‌کنند، همه در آن فضا کار می‌کنند؛ این همان چیزی است که شما می‌خواهید (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۹۰/۷/۱۳).

۷- تبیین و ارائه الگوی کرسی‌های آزاداندیشی مقام معظم رهبری

موضوع روش، کلیدی‌ترین دغدغه در انجام این تحقیق بوده است. این‌که اساساً آیا با روش‌های برآمده از تجربه بشری می‌توان به «تبیین و ارائه الگوی کرسی‌های آزاداندیشی مقام معظم رهبری به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی ایشان در امور فرهنگی» وارد شد؟

مبنای استنباط محقق سخنان مقام معظم رهبری است که محقق این دغدغه را داشته است چگونه ثابت کند که آنچه از سخنان ایشان استنباط کرده است چه در عرصه مفهوم‌شناسی کرسی‌های آزاداندیشی و چه در عرصه شناخت مؤلفه‌های کرسی‌ها و چه در عرصه تبیین روابط میان این مؤلفه‌ها و طراحی الگوی کرسی‌های آزاداندیشی، همان پیام و مفهوم مورد نظر ایشان بوده است؟

۷-۱- ضرورت انتخاب یک روش کیفی

به نظر می‌رسد در ذیل موضوع تبیین و طراحی الگوی کرسی‌های آزاداندیشی ممکن است پرسش‌هایی مطرح شود. برخی از آنها چنین است:

- چرا مبنای طراحی این الگو سخنان گهربار مقام معظم رهبری قرار گرفته است؟
- با توجه به موضوع حاضر آیا تبیین و طراحی الگوی کرسی‌های آزاداندیشی می‌تواند پاسخگوی نیازهای دانشگاهیان و حوزویان باشد؟

تحقیق حاضر، گامی به سوی تدبیر در یکی از دغدغه‌های مقام معظم رهبری طی چند سال اخیر است. همان‌طور که پیش از این مطرح شد مبنای این تحقیق سخنان گهربار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است. بر این مبنای استفاده از نرم‌افزار تفسیر نور

(نگارش ستاد فرماندهی کل سپاه پاسداران) و سایت اینترنتی (khamenei.ir) با دقت فراوان مورد مطالعه و فیش برداری قرار گرفته است.

رویکرد روش شناختی این تحقیق اکتشافی، رویکرد پژوهش کیفی و راهبرد آن راهبرد نظریه پردازی داده بنیاد است. این که چرا برای چنین اکتشافی از این راهبرد اتخاذ شده است، مستلزم شناخت این راهبرد است. در این فصل به اجمال، مبانی و روش کیفی نظریه پردازی داده بنیاد معرفی می شود.

۲-۷- تعریف راهبرد داده بنیاد

بنا به تعریف، روشن شد که استخراج و استنباط یک نظریه و الگو از یک متن نوشته شده، یک پژوهش کیفی است و با راهبردهای تحقیق کمی نمی توان به انجام تحقیق کیفی پرداخت (دانایی فرد، ۱۳۸۳).

طی بررسی های انجام شده به نظر رسید که در میان راهبردهای گوناگون پژوهش کیفی، راهبرد نظریه پردازی داده بنیاد^۳، قابلیت تولید نظریه و الگو از یک متن را دارا است، که نمونه های فراوان بر این اساس از سال ۱۹۵۷ تاکنون در دنیا و نمونه های چندی در ایران در طول سال های اخیر در حوزه مدیریت انجام شده است (دانایی فرد ۱۳۸۴؛ پورسعید، ۱۳۸۶؛ غفاریان، ۱۳۸۶).

یکی از تعریف های این راهبرد بیانگر آن است که:

نظریه پردازی داده بنیاد، روالی نظام مند و کیفی برای تولید نظریه ای است که یک فرآیند، کنش یا واکنش را درباره یک موضوع خرد واقعی، در سطح مفهومی کلی، تشریح می کند (کرس ول، ۲۰۰۵؛ دانایی فرد، الوانی و آذر، ۱۳۸۴، دانایی فرد، ۱۳۸۶).

بنابراین، این تحقیق درصدد است طی یک روال نظام مند و کیفی، با تکیه بر این راهبرد، به تبیین و چه بسا ارائه الگوی کرسی های آزاداندیشی بپردازد. پرسش اصلی این تحقیق عبارت است از:

• الگوی کرسی‌های آزاداندیشی از منظر مقام معظم رهبری به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی ایشان چیست؟

هنگامی که این پرسش را با دقت بیشتری می‌کاویم، پرسش‌های دیگری از آن ظهور می‌کند که شرط لازم برای پاسخ‌گویی به پرسش اصلی است. آن پرسش‌ها عبارت است از:

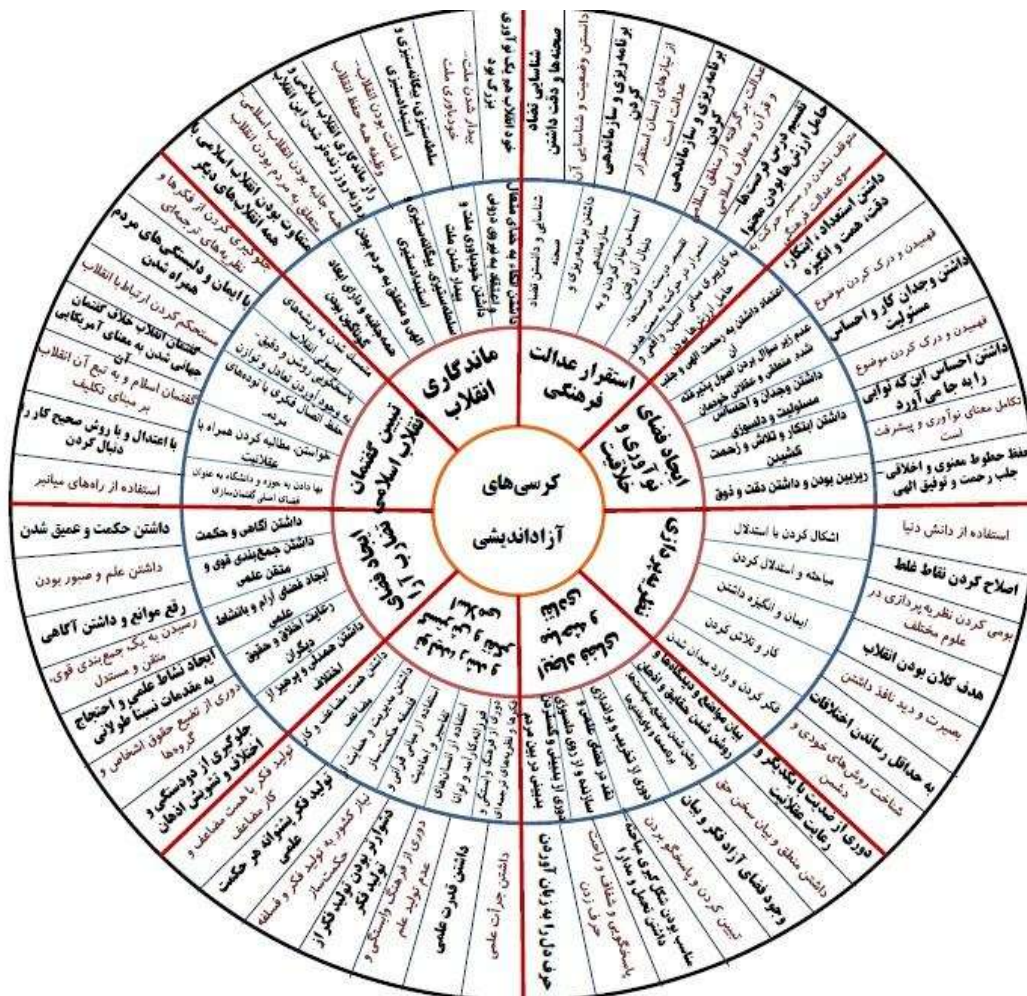
- (۱) مفهوم کرسی‌های آزاداندیشی از منظر مقام معظم رهبری به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی ایشان چیست؟
 - (۲) عناصر کرسی‌های آزاداندیشی از منظر مقام معظم رهبری به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی ایشان کدام است؟
 - (۳) نتایج و پیامدهای کرسی‌های آزاداندیشی از منظر مقام معظم رهبری به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی ایشان کدام است؟
 - (۴) چه رابطه‌ای بین عناصر کرسی‌های آزاداندیشی از منظر مقام معظم رهبری به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی ایشان وجود دارد؟
- الگوی حاصل باید بیانگر فرآیند، کنش‌ها و واکنش‌ها، زمینه‌های گوناگون، پیامدها و موضوع کرسی‌های آزاداندیشی در سطح مفهومی و در قالب یک مدل مفهومی باشد.

۳-۷- فرآیند نظریه‌پردازی داده‌بنیاد

پس از انتخاب رویکرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، به عنوان راهبرد پژوهش برای موضوعی مانند تبیین و طراحی الگوی کرسی‌های آزاداندیشی، و در نظر گرفتن یک فرآیند برای بررسی و مطالعه، در کدگذاری باز با شناسایی نشانه‌های کرسی‌های آزاداندیشی، با سخنان گهربار فراوانی از مقام معظم رهبری روبه‌رو شدیم که پرداختن به همه آنها، مستلزم زمان بسیار بیشتری بود؛ بنابراین، دامنه تحقیق به هیجده واژه «تضارب آرا - تولید، رشد و گسترش علم و تفکر (اسلامی) - استقرار عدالت فرهنگی - تبیین گفتمان انقلاب - ماندگاری انقلاب - ایجاد فضای مباحثه و نقادی (در نظام اسلامی) - نوآوری، تحول و پیشرفت -

خلاقیت و نوآوری - نظریه پردازی - احتجاج - اختلاف فکری - جدال - جدل - دعوا کردن - محاجه - مخالفت کردن - یکدیگر را قبول نداشتن» محدود شد. در گام بعدی هیجده واژه به ده واژه کاهش یافت و مقوله های علی: مقوله های محوری، مقوله های مداخله گر، مقوله های زمینه ای، مقوله های راهبردی و پیامدهای هر ده واژه انتخابی استخراج شد (در اصل تحقیق، تمامی جداول و نمودارها موجود است).

مرحله بعد کدگذاری انتخابی و خلق نظریه بود که شرحی انتزاعی برای فرآیند پژوهش ارائه شد تا به یکپارچه سازی و بهبود نظریه منتج شود درگام نهایی نیز یادداشت نگاری یا تبیین موضوع انجام گرفت که نمودار ستاره ای زیر خلاصه و نتیجه تمامی مراحل پژوهش است.



الگوی ستاره ای کرسی های آزاداندیشی

۸- تبیین کرسی‌های آزاداندیشی

حضور کارآمد کرسی‌های آزاداندیشی از جمله نیازهای کنونی جامعه ایران است که به ابتکار مقام معظم رهبری بر لزوم آن در مجامع و محافل علمی و دانشگاهی به عنوان یک گفتمان هدایت‌گر تأکید می‌شود.

شناخت مفهوم دقیق و متقن آزاداندیشی از مفاهیمی است که در درجه نخست می‌بایست به تبیین آن همت گماشت. بدون شناسایی دقیق این مفهوم و درک زوایای آن و نیز الزاماتی که طی این فرایند می‌بایست بدان ملتزم گردید، نایل شدن تبیین و بیان مفهوم، عناصر و نتایج و پیامدهای آزاداندیشی قابل تحقق و دستیابی نخواهد بود.

آزاداندیشی ابزار و وسیله‌ای است برای نیل به حقیقت. حقیقتی که دغدغه و آمال بسیاری از مکاتب و نظریه‌هاست. نیل به حقیقت نیازمند مسیری است که در آن انسان با تمام ابعاد مسأله آزاداندیشی آشنایی داشته و با رغبت و قبول تمامی مسائل و سختی‌های راه آن را بپذیرد. انسانی که آزادانه می‌اندیشد، خود را از چارچوب و محدودیت‌های حیات مادی و دنیوی رها ساخته و نگرش و دیدگاهی چندبعدی و معناگرایانه به جهان هستی و دستگاه آفرینش دارد.

آزاداندیشی به معنای نبود مانع در راه ترقی و تکامل انسان است و عقیده‌ای در نظام اسلامی آزاد است که مبنایش تفکر باشد و از روی تسلیم به جهالت شدن و تقلید و وراثت نباشد.

کرسی‌های آزاداندیشی مجالی برای ارائه نظرات مخالف و مغایر و متفاوت با نظرات شایع و رایج: کرسی‌های آزاداندیشی به آن نشست‌هایی می‌گویند که افراد برای اظهارنظرهای غیر متعارف خودشان در حضور جمع نخبه تشکیل می‌دهند. آنجا بنا نیست که داوری شود و امتیاز داده شود و رتبه تعیین شود (برخلاف کرسی‌های نظریه‌پردازی)، بلکه مجالی است برای ارائه نظرات مخالف و مغایر و متفاوت با نظرات شایع و رایج (حجت‌الاسلام علی‌اکبر رشاد، موسس و رییس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی).

- کرسی آزاداندیشی یعنی برگزاری نشست‌های گفتگو محور: کرسی‌های آزاداندیشی غیر از کرسی‌های نظریه‌پردازی است. صاحب نظریه می‌خواهد حرف جدیدی بزند و گرهی را باز کند، ولی در کرسی‌های آزاداندیشی فرد نمی‌خواهد یک نظریه جدیدی ارائه بدهد و این کرسی‌ها بیشتر مباحثه و گفتگو هستند برای روشن شدن حقایق (عبدالحسین خسرو پناه، رئیس موسسه حکمت و فلسفه ایران).

- نظریه‌پردازی وقتی معنا دارد که فرد بعد از مدت زیادی که کار فکری انجام داده است و به نظریه خاصی رسیده است، اکنون نظریه‌اش را در بین اساتید و صاحب‌نظران مطرح کند، ولی بحث آزاداندیشی حالتی است که در آن همه اعم از استاد و دانشجو می‌توانند در حوزه‌های علوم انسانی و مسائل اعتقادی و سیاسی، طرح موضوع و ایده کنند (محمدصادق کوشکی، عضو هیئت علمی دانشگاه خواجه نصیر).

- کرسی‌های نظریه‌پردازی یک بحث عمیق علمی - فلسفی ست که نیازهای ما را در حوزه بومی رفع می‌کند و یک واکنش فعال است نسبت به حجم گسترده‌ای از نظریات ترجمه‌ای در فضای علمی کشور خاصه حوزه علوم انسانی (دکتر وحید یامین پور، مجری - کارشناس برنامه‌های تلویزیون).

- نظریه‌پردازی خیلی به علم و تولید علم نزدیک است، اما آزاداندیشی خیلی به روشنفکری نزدیک می‌شود؛ روشنفکری فضایی دارد که شما نقد وضع موجود را می‌کنید (حسن عباسی، رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال امنیت بدون مرز).

۸-۱- چرایی یا علل به وجود آمدن کرسی‌های آزاداندیشی در جمهوری اسلامی ایران

اینکه چرا و به چه دلیل باید در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران کرسی‌های آزاداندیشی داشته باشیم و مقام معظم رهبری به عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی خود آن را به مسئولان امر و اساتید و دانشجویان حوزه و دانشگاه بارها ابلاغ و گوشزد کرده‌اند را می‌توان موارد زیر را برشمرد:

الف) پیدایش انقلاب اسلامی در ایران

پیدایش انقلاب آن هم با رنگ و بوی اسلامی در ایران را باید یکی از دلایل نیاز به کرسی‌های آزاداندیشی دانست. این موضوع پرواضح است که نیاز به بازگو کردن سوابق پیش از انقلاب و رژیم منحوس پهلوی ندارد؛ چه اینکه جو حاکم بر جامعه ایران و به ویژه حوزه و دانشگاه جوی فاقد هرگونه آزادی فکری و آزاداندیشی بود و باید اضافه کرد که جز جو خفقان، جو استکباری و تقلید نیز جولان می‌داد. به همین دلیل به وجود آمدن انقلاب اسلامی خود زمینه‌ساز پیدایش کرسی‌های آزاداندیشی شد.

ب) هدف کلان انقلاب اسلامی

متفاوت بودن انقلاب اسلامی ایران از انقلاب‌های دیگر دنیا، همه‌جانبه و دارای ابعاد مختلف بودن انقلاب اسلامی، متوازن و همراه بودن انقلاب اسلامی با نیازهای بشری و عقلانیت به عنوان منشأ گفتمان اسلامی از جمله مواردی است که بیان‌کننده این موضوع است که کرسی‌های آزاداندیشی را باید جز اهداف کلان انقلاب دانست.

ج) مدیریت افکار و اذهان در قالب اصول

مدیریت به خودی خود به عنوان یکی از علوم روز دارای اصولی است که رعایت آنها به بهتر شدن وضعیت جامعه (سازمان) و مردم (کارکنان) می‌انجامد. به همین منظور و برای نیل به کرسی‌های آزاداندیشی اصولی و منطقی باید موارد زیر را به خاطر سپرد:

- ۱) داشتن برنامه‌ریزی برای حرکت به سمت هدف؛
 - ۲) داشتن ساماندهی و سازماندهی در حرکت به سمت هدف؛
 - ۳) زمانبندی کردن و استفاده از زیرساخت‌ها؛
 - ۴) داشتن همت و کار مضاعف.
- د) ساختن انسان

به یقین آنچه برای همگان اثبات شده است اینکه در رسیدن به بک هدف نمی‌توان از نیروی انسانی جلوبرنده برنامه‌ها غافل شد. این نیروی انسانی باید دارای ویژگی‌هایی باشد تا بتواند سریع‌تر و مناسب‌تر هدف را محقق کند. از جمله این ویژگی‌ها باید به داشتن خانواده سالم و سرزنده، بانشاط و سالم، داشتن ابتکار، استعداد، همت و انگیزه؛ داشتن قدرت تفکر و باز بودن ذهن و زبان؛ داشتن جرأت و دلیری برای تحول‌آفرینی؛ استفاده از ظرفیت‌ها، استعدادها، فرصت‌ها و نیروی جوانی اشاره کرد.

۲-۸- مقوله‌های محوری کرسی‌های آزاداندیشی در جمهوری اسلامی ایران

محورهای کرسی‌های آزاداندیشی در چارچوب سخنان گهربار مقام معظم رهبری می‌توان موارد زیر را برشمرد:

الف) بر مبنای دین اسلام، قرآن و کلام ائمه اطهار بودن

بر همین مبنا باید اشاره شود که پیوند عاطفی عاشقانه با خدا برای اشکال کردن با استدلال، داشتن ایمان جوشان و داشتن روحیه بسیجی، پایبند بودن به مبانی دین و اصول و قواعد دینی، دوری از عافیت‌طلبی و دست روی دست گذاشتن و داشتن اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط از جمله مواردی است که می‌تواند به عنوان محورهای کرسی‌های آزاداندیشی و آن هم بر مبنای دین اسلام کلام ائمه اطهار باشد.

ب) بیگانه‌ستیزی و مردمی بودن

سلطه‌ستیزی، بیگانه‌ستیزی، استبدادستیزی و استکبارستیزی، پیوستن به ایمان و دلبستگی‌های مردم و حفظ، عدم استفاده از فکرها و تئوری‌های ترجمه‌ای، پیدا کردن و حفظ شأن و جایگاه و هویت خود، نگه داشتن و حفظ کردن این گفتمان

ج) حامل ارزش‌ها و اصیل و واقعی بودن محتوای کار

دوری از جنبه احساساتی و عصبی و جنبه تخریبی، و دوری از سیاه‌نمایی وضع موجود به شکل افراطی، دوری از اتهام زدن، دوری از شایعات و بی‌انصافی‌ها و ضدیت با یکدیگر، عدم زیر سؤال بردن اصول پذیرفته‌شده منطقی و عقلانی

خودمان، گفتن ضعف‌ها و قوت‌ها، و منصفانه پهلوی همدیگر قرار دادن آنها و بدگویی نکردن و انکار نکردن خصوصیات، سازنده بودن انتقاد و رعایت عقلانیت، منصفانه بودن نقد و نقدپذیری متواضعانه

د) ترمیم خاکریزهای فرهنگی و فکری

داشتن اعتماد به نفس، آگاهی، حکمت و حلم و صبر داشتن و عمیق شدن، خواستن، مطالبه کردن و داعیه داشتن همراه با عقلانیت و در زمینه علمی، سخن خود را در حد سخنان اول دنیا درآوردن

۳-۸- عوامل و مؤلفه‌های مداخله‌گر

در خصوص عوامل مداخله‌گر نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) عوامل داخلی

- ۱) ضعف نشان دادن؛
- ۲) تعصب‌ورزی؛
- ۳) اغواگری و موضع‌گیری نادرست؛
- ۴) تحجّر، ایستایی و پایبند بودن به جزمی‌گرایی‌هایی که بر انسان تحمیل شده؛
- ۵) آسیب‌پذیر بودن متفکران و نخبگان فکری؛
- ۶) قبول نکردن برجستگی‌ها و کارهای خوب، و انکار امتیازات؛
- ۷) بعضی از نقاط قوت را به عنوان نقطه ضعف معرفی کردن؛
- ۸) دعوا، اختلاف و کشمکش؛
- ۹) عدم فهمیدن و درک کردن؛
- ۱۰) تقلید کردن و الگو گرفتن بی‌قید و شرط.

ب) عوامل خارجی

- ۱) تشر زدن و دعوا کردن و تهدید کردن؛
- ۲) تحمیل فرهنگ وابستگی (عدم تولید فکر)؛
- ۳) رسوخ و در دست گرفتن مغز دانشجو و استاد؛
- ۴) هجوم فرهنگی؛

(۵) دخالت، کار کردن و جلوگیری کردن دشمن و بیگانگان؛

(۶) جلوگیری از بروز استعدادها و بیزار بودن.

ج) عوامل داخلی و خارجی

این عوامل می‌تواند هم از ناحیه عوامل داخلی و هم از ناحیه عوامل خارجی به عنوان مؤلفه‌های مداخله‌گر نقش داشته باشند. از جمله آنها عبارتند از:

(۱) فکرها و تئوری‌های ترجمه‌ای را وارد محیط دانشگاه کردن؛

(۲) همراهی نکردن عده‌ای؛

(۳) عدم وجود زمینه و فضا؛

(۴) از مردم بریدن (عدم تولید فکر)؛

(۵) تقابل حق و تکلیف.

۴-۸- مقوله‌های زمینه‌ای

در مورد عوامل و مقوله‌های زمینه‌ای کرسی‌های آزاداندیشی به موارد فروانی می‌توان اشاره کرد که در یک تقسیم‌بندی کلی عبارتند از:

الف) وجود زیرساخت‌ها

پیرامون زیرساخت‌ها می‌توان موارد زیر را برشمرد:

(۱) ایمان دینی محکم داشتن؛

(۲) پیشرفت و نوآوری براساس ارزش‌های انقلاب؛

(۳) وجود فرهنگ نوآوری؛

(۴) داشتن ذخیره علمی انباشته؛

(۵) وجود هوش وافر؛

(۶) وجود فضای آزادی فکر و بیان و محیط سالم؛

(۷) به وجود آوردن زیرساخت‌ها؛

(۸) همت کردن و همت گماشتن.

ب) محیط تخصصی

پیرامون محیط تخصصی می‌توان موارد زیر را برشمرد:

(۱) وجود محیط علمی و دانشگاهی؛

(۲) اهل فن بودن، کارشناس بودن؛

(۳) ایجاد فضای گفتگویی به منظور سوق دادن افکار به طرف یک مقوله ویژه؛

(۴) راه‌اندازی محافل بحث و جدل و استدلال؛

(۵) ایجاد فضای تخصصی.

ج) محیط داخلی

پیرامون محیط داخلی می‌توان موارد زیر را برشمرد:

(۱) ایجاد اتحاد و یگانگی به منظور دفاع در مقابل دشمن؛

(۲) داشتن صمیمیت، دلسوزی، اتکای به نفس و داشتن وجدان کار و احساس مسئولیت؛

(۳) شناختن نیاز و خواست خود؛

(۴) ثروت و قدرت داشتن.

د) محیط خارجی

پیرامون محیط خارجی می‌توان موارد زیر را برشمرد:

(۱) تهدیدهای دشمن

(۲) محدودیت‌ها و تحریم‌ها را به فرصت تبدیل کردن

(۳) فرصت‌های موجود: در مبحث فرصت‌های موجود و در حوزه محیط خارجی به عنوان یک مؤلفه تصمیم‌گیری راهبردی شاید بتوان تمامی موارد مطرح‌شده در سه پارامتر بالا یعنی وجود زیرساخت‌ها، محیط تخصصی و محیط داخلی را گنجانده؛ زیرا تمامی این موارد چه به صورت بالقوه و چه به صورت بالفعل نوعی فرصت محسوب می‌شوند و درک این فرصت‌ها و شناسایی صحیح و به کارگیری به موقع آنها می‌تواند تهدیدها را به فرصت‌های مجدد بدل کند.

۵-۸- مقوله‌های راهبردی

مقوله‌های راهبردی را باید در راستای مؤلفه‌ها یا مقوله‌های محوری دانست و به نوعی مکمل این مقوله‌ها هستند، اما به نوعی از آنها مهم‌تر و تعیین‌کننده‌ترند. در

مقوله‌های راهبردی پذیرفتن ارزش‌های نظام اسلامی به صورت یکجا، متمسک شدن به ریشه‌های اصولی انقلاب و پایبند بودن به اصول همانند اصل متعالی ولایت فقیه، چسبیدن و متمسک شدن به ریشه‌های اصولی انقلاب، داشتن اتحاد و پرهیز از اختلاف و ایجاد شکاف در حاکمیت، مورد تأیید بودن از نظر نظام جمهوری اسلامی، عدم وابستگی، روی پای خود ایستادن و استقلال ملت و کشور، به طرف خیانت و براندازی سوق پیدا نکردن و وظیفه بودن برای ملت و برای مسئولان کشور بسیار دارای اهمیت است. در این حوزه مباحث درجه دومی نیز وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- (۱) کافی بودن ساز و کارهای کنونی دستگاه‌های علمی و فرهنگی کشور و کارآمد کردن سازمان‌های موجود؛
- (۲) اطاعت و فرمانبری و فرمان‌گیری از بالادستی (فرمانده فرهنگی)؛
- (۳) استفاده از نیرو و توان زیردستان؛
- (۴) هدایت استعدادها و خلاقیت‌ها و ذوق‌ها به شکل صحیح و درست؛
- (۵) مناسب بودن شکل‌گیری مباحثه در بین مسئولان؛
- (۶) بومی کردن نظریه‌پردازی در علوم مختلف؛
- (۷) به وجود آوردن یک فضای معتقد به یک مبنای فکری یا عملی (سوق دادن افکار به طرف یک مقوله ویژه).

۶-۸ - مقوله‌های نتیجه‌ای

- (۱) عامل پیروزی و عامل حل کردن مسائل کشور و پیش بردن آن و مدیریت کشور؛
- (۲) تولید فکر، برای پر کردن خلأهای موجود و پشتوانه هر حرکت علمی؛
- (۳) داشتن هویت و جایگاه و شأن در محیط بین‌المللی؛
- (۴) رسیدن به یک نظر نهایی، کشف نظریه ناب اسلامی و رسیدن به نظرات جدیدتر؛

- (۵) رسیدن به یک جمع‌بندی قوی و متقن و مستدل برای انجام برنامه‌ریزی‌های درازمدت، پیدا کردن شیوه‌های اجرای برنامه‌ها و کاربردی کردن برنامه‌ها؛
- (۶) مبارزه با فرهنگ قدرت‌های جهانی حاکم؛
- (۷) رسیدن به جامعه اسلامی؛
- (۸) حفظ نظام و حفظ مرزهای اخلاقی و فرهنگی نظام؛
- (۹) همه‌گیر شدن تفکر (عدالت‌خواهی) در جامعه؛
- (۱۰) اساس پیشرفت انسان و زندگی انسانی و عزت‌آفرین بودن؛
- (۱۱) رسیدن به خطوط مرزی علم و شکستن این مرز و افزودن به دانش‌های دنیا (دانش‌افزایی)؛
- (۱۲) کمک به اخلاق بشری و کمک به معنویت انسان؛
- (۱۳) کمک به امیدبخشی و تعالی انسان؛
- (۱۴) بالابردن تحمل و تحمل کردن و تخلیه صورت گرفتن؛
- (۱۵) پیدا کردن راه‌ها و شیوه‌های نو و اصلاح کردن نقاط غلط؛
- (۱۶) حرکت کردن به سمت استقلال علم؛
- (۱۷) تحقق مرجعیت علمی؛
- (۱۸) تهیه نقشه جامع علمی؛
- (۱۹) بیدار شدن ملت، خودباوری ملت و زنده شدن ملت؛
- (۲۰) زنده شدن روح نوآوری و ابتکار و خلاقیت در ملت؛
- (۲۱) روشنگری و آماده کردن ذهن؛
- (۲۲) ایجاد اتحاد و یگانگی.

۹- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مقصود از کرسی‌های آزاداندیشی این است که فضایی قانونی و تثبیت‌شده برای تقابل و تضارب آرا مختلف فراهم شود، تا شخصیت‌ها و جریان‌های گوناگون فکری و ایدئولوژیک بتوانند دیدگاه‌ها و نظرات خود را به صورت آزادانه در محیطی تعریف‌شده و چارچوب‌مند، بیان کنند و منتقدان و مخالفان نیز به گفتگو و مباحثه با

آنها پردازند. به این ترتیب، تعبیر کرسی‌های آزاداندیشی علاوه بر مطلوبیت «آزاداندیشیدن»، دلالت بر ضرورت «آزدای در بیان اندیشه» نیز دارد.

ایده برپایی کرسی‌های آزاداندیشی ریشه در سنت فرهنگی اسلام دارد که قایل به ایجاد فضایی آزاد اما ساختاریافته برای طرح نظرات و تلقی‌های گوناگون در جامعه اسلامی است. سنت فرهنگی اسلام، به هیچ رو از انسداد فرهنگی و استبداد نظری دفاع نمی‌کند. قرآن کریم با صراحت می‌گوید:

«فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه»

بنابراین، استماع اقوال گوناگون منع شرعی ندارد.

این امر در سنت فرهنگی شیعه، هویت غلیظ‌تر و پررنگ‌تری دارد، چنانکه کتاب‌های بسیار زیادی با عنوان «احتجاجات» که حاوی مباحثات و مناظرات عمومی ائمه اطهار(علیهم‌السلام) با منکران و مخالفان و منتقدان است به جا مانده است.

مقام معظم رهبری نیز با الهام گرفتن از این پیشینه گهربار اسلامی و به ویژه مذهب شیعه و برای تحقق جامعه اسلامی پویا و اصیل و تربیت مسلمانان عالم و متفکر و اهل مباحثه، بر برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در موضوعات مختلف تأکید نمودند. به همین منظور ایشان در بسیاری از دیدارها و سخنرانی‌های خود، مطالبی درباره ضرورت و چگونگی این کرسی‌ها بیان کرده‌اند.

این نوشتار همان‌طور که در فصول گذشته بیان شد، با تکیه بر بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون کرسی‌های آزاداندیشی و در راستای تبیین این موضوع، روش داده بنیاد - که کلیسر و استراوس در واکنش به اثبات‌گرایی افراطی حاکم بر بیشتر تحقیقات اجتماعی مطرح کردند - را به کار گرفت.

به همین منظور آنچه در این تحقیق دنبال شده است، شناخت مفهوم، عناصر و روابط بین این عناصر، و ویژگی‌ها، نتایج و پیامدها و همچنین الگوی کرسی‌های آزاداندیشی از منظر مقام معظم رهبری است.

در این الگو، سخنان معظم‌له در سه فرآیند کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

در کدگذاری باز، در مورد هریک از مقولات اصلی کرسی‌ها، سخنان رهبر معظم انقلاب ذکر و نکات آن در قالب کد (مضمون) مشخص و کدهای مشترک با عنوان مفهوم (گزاره) مطرح شد.

در کدگذاری محوری، مفاهیم و مضامین هریک از مقوله‌های اصلی ذکر و مقوله‌های انتزاعی به عنوان مقوله‌های فرعی مشخص شد. (به این ترتیب یک مقوله اصلی به تعداد مفاهیم خود، مقوله فرعی خواهد داشت که در اطراف این مقوله قرار می‌گیرند.)

مقوله‌های فرعی بسته به کارکرد و نقشی که دارند به پنج دسته تقسیم می‌شوند:

۱) برخی از آنها مقوله علی و بیان‌کننده شرایط علی هستند. (شرایط علی = مقوله‌ها یا شرایطی که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.)

۲) برخی مقوله زمینه‌ای یا محیطی هستند. (شرایط زمینه‌ای یا محیطی = شرایط ویژه‌ای که راهبردها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.)

۳) برخی مقوله میانجی یا مداخله‌گر یا واسطه‌ای‌اند. (شرایط میانجی یا مداخله‌گر یا واسطه‌ای = شرایط عمومی محیطی که راهبردها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.) این مقوله‌ها شرایط علی را به راهبردها وصل نموده و تضعیف‌کننده یا تقویت‌کننده هستند.

۴) برخی مقوله راهبردی می‌باشند. (راهبردها = اقدامات یا تعاملات ویژه‌ای که از پدیده اصلی حاصل خواهد شد.)

۵) برخی نیز مقوله پیامد یا نتیجه هستند. (پیامدها یا نتایج = نتایجی که در اثر راهبردها حاصل می‌شوند.)

همچنین در این مرحله از کدگذاری، ۱۸ مقوله اصلی مشخص و سپس سایر مقوله‌ها در قالب نمودار فرآیندی چیده شده تا کدگذاری محوری تحقق یابد. به این ترتیب با ریختن متن سخنان حضرت آقا در قالب این دو نوع کدگذاری، اصلی‌ترین نکات آن مشخص شد و همچنین پیوستگی و ارتباط نظری و محتوایی بیانات مختلف ایشان در مورد کرسی‌های آزاد اندیشی روشن شد. به کارگیری روش داده بنیاد برای این تحقیق

در نهایت نشان داد که ایشان، رئوس و سرفصل‌های مربوط به کرسی‌های آزاد اندیشی را طی سخنرانی‌های مختلف مشخص کرده است.

مرحله نهایی روش داده بنیاد، کدگذاری انتخابی است که در آن نمودارهای مربوط به مقوله‌های اصلی مشخص شده در فرآیند کدگذاری محوری تبیین شده تا در نهایت موضوع تحقیق تبیین شود.

در این مرحله از تحقیق بر اساس همان مقولات اصلی و فرعی، ضرورت، اهمیت، چرایی و چگونگی، نتایج، موانع و نقاط ضعف کرسی‌های آزاد اندیشی مشخص شد. در اینجا طبق بیانات رهبر عظیم‌الشان انقلاب، مهم‌ترین سرفصل‌های مربوط به مقولات محوری، مداخله‌گر، زمینه‌ای، راهبردی و نتیجه‌ای کرسی‌های آزاداندیشی ارائه شد.

بر اساس رئوس تأکیدات مقام معظم رهبری که در این مقاله به آنها پرداخته شد، بحث‌های روشمند و اصولی در زمینه‌های فرهنگی، به تدوین نظریه اسلامی در علوم انسانی و تجهیز درونی در مقابل تهدیدهای دشمن در عرصه جنگ نرم و تهاجم فرهنگی منجر خواهد شد. بدین ترتیب با حمایت از مباحثه‌ها و گفتگوهای فرهنگی در چارچوب علمی و با رعایت موازین اخلاقی، می‌توان به مبانی اسلامی رسید و از هجوم نظریه‌های ترجمه‌ای و وارداتی غربی رهایی یافت.

با توجه به اینکه یکی از ویژگی‌های کرسی‌های آزاداندیشی، وسعت نظر فضای حاکم بر آن است؛ این به آن معنی است که دیدگاه‌های مختلف - اعم از موافق و مخالف، منفی یا مثبت - درباره موضوع مطرح می‌شود؛ بنابراین، این کرسی‌ها به واقع باعث روشنگری و در نتیجه رسیدن به مطالبات رهبر عزیز انقلاب می‌شوند. یافته‌ها و الگوی این تحقیق می‌تواند به محقق شدن مطالبه حضرت آقا درباره کرسی‌های آزاداندیشی کمک کند.

همچنین با تطبیق مطالب و الگوی ارائه شده در این تحقیق، می‌توان به آسیب‌شناسی کرسی‌های آزاداندیشی برگزار شده پرداخت و میزان تطابق آنها را با مطالبات سنجید. به عبارت بهتر، می‌توان ۱۸ مقوله اصلی مطرح شده در فرآیند کدگذاری محوری را در کرسی‌های آزاداندیشی برگزار شده بررسی کرد تا به شناخت دقیق و جامعی از وضعیت موجود کرسی‌ها و نقاط قوت و کمی‌ها و کاستی‌های آنها اشراف پیدا کرد.

کتابنامه

کتاب‌ها:

- (۱) استیفن رابینز، مبانی رفتار سازمانی، مدیریت، تئوریهای مدیریت، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، ۱۳۸۹.
- (۲) ابراهیمی نژاد، مهدی، مدیریت استراتژیک در بازرگانی و صنایع، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۹.
- (۳) الوانی مهدی، تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی (رشته مدیریت دولتی)، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۱.
- (۴) الفت‌پور، علی، چهل تدبیر (مروری بر مقاطع بحرانی تاریخ جمهوری اسلامی ایران)، نشر پرستا، ۱۳۸۹.
- (۵) ابدلی محرم، خورشید هدایت (مدیریت راهبردی و تدابیر مقام معظم رهبری در بحران‌ها)، نشر امام عصر، ۱۳۹۰.
- (۶) ابی جعفر محمد بن یعقوب الكلینی، الفروع من الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵، ج ۸.
- (۷) ابی جعفر بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، اصول کافی، - جلد (۱).
- (۸) احدی، علی و دیگران، نگرش جامع بر مدیریت استراتژیک، انتشارات تولید - پاییز ۱۳۸۲.
- (۹) بهشتی، مقاله «آزادی آنچه هست و آنچه نیست + گوشه‌ای از مناظره شهید بهشتی با جمعی از دانشجویان مخالف انقلاب».
- (۱۰) پیرس - رابینسون، برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، تهران: یادواره کتاب، ۱۳۷۶.
- (۱۱) تسلیمی، محمد حسین، تحلیل فرآیندی خط مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۸.
- (۱۲) حاضر، منوچهر، تصمیم‌گیری در مدیریت، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۳.
- (۱۳) حمیدی زاده، محمدرضا، برنامه‌ریزی استراتژیک، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، ۱۳۸۰.
- (۱۴) خیرآبادی، حمید، طراحی مدل تصمیم‌گیری فرماندهان دفاع مقدس با تأکید بر عملیات‌های موفق سال دوم جنگ، پژوهشکده مطالعات بسیج، ۱۳۹۱.
- (۱۵) چارلز آر-شوانک، مبانی تصمیم‌گیری استراتژیک، ترجمه عباس منوریان، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۰.
- (۱۶) چایلد، ورگوردن، عنوان و شرح مسئولیت، نشر جامعه و دانش، ترجمه محمد تقی فرامرزی، ۱۳۸۵.
- (۱۷) جعفرپور، درآمدی بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پژوهشکده بسیج، ۱۳۹۰.

- (۱۸) جهان‌شاهی، علی، مقاله گوشه‌ای از فواید و آثار کرسی‌های آزاد اندیشی.
- (۱۹) جولیونس گولد، ویلیام ل. کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، گروه مترجمان، چاپ اول، تهران، مازیار، ۱۳۷۶.
- (۲۰) حاجی ابراهیم، حجت الاسلام رضا، عضو هیئت علمی گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
- (۲۱) دیوید فرد آر. (۱۳۸۰)، "مدیریت راهبردی"، ترجمه دکتر سید محمد اعرابی و دکتر علی پارسائیان، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- (۲۲) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۲۵.
- (۲۳) دلاور، علی، روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، نشر ویرایش، ۱۳۸۷.
- (۲۴) رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، ۱۳۸۰.
- (۲۵) رحیم پور ازغدی، حسن، مقاله «آزادی بیان یعنی آزادی توأم با منطق و اخلاق و مسئولیت».
- (۲۶) رشاد، حجت الاسلام علی اکبر، مؤسس و رییس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- (۲۷) زاکانی، علیرضا، عضو کمیسیون علوم و تحقیقات شورای اسلامی و رییس اسبق سازمان بسیج دانشجویی.
- (۲۸) سعادت، اسفندیار، مدیریت منابع انسانی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۵.
- (۲۹) سعادت، اسفندیار، فرایند تصمیم‌گیری در سازمان، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- (۳۰) سیف مراد و محمد تولایی، تبارشناسی تهدیدهای نرم اقتصادی، پژوهشکده بسیج، ۱۳۹۰.
- (۳۱) علاقه‌بند، علی؛ مقدمات مدیریت آموزشی، تهران، بعثت، چاپ هشتم، ۱۳۷۴.
- (۳۲) عسگریان، مصطفی، مدیریت نیروی انسانی، نشر جهاد دانشگاهی (دانشگاه تربیت معلم)، ۱۳۷۰.
- (۳۳) علیدوستی، سیروس، سیر تحول مفهوم و استراتژی در تئوری‌های سازمان، آموزش، ۱۳۷۸.
- (۳۴) فروتنی، زهرا، مبانی تصمیم‌گیری استراتژیک امام خمینی (ره)، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
- (۳۵) قوام، عبدالعلی؛ اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، سمت، ۱۳۷۲، چاپ دوم.
- (۳۶) کرامتی، محمدتقی، نقش رهبری در مدیریت بحران (نیمه پنهان ۳۸)، جلد اول، دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، ۱۳۹۱.
- (۳۷) کرامتی، محمدتقی، نقش رهبری در مدیریت بحران (نیمه پنهان ۳۸)، جلد دوم، دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، ۱۳۹۱.

- (۳۸) کرامتی، محمدتقی، نقش رهبری در مدیریت بحران (نیمه پنهان ۳۸)، جلد سوم، دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، ۱۳۹۱.
- (۳۹) کلی، کیت، فنون تصمیم‌گیری، ترجمه سید امین‌ا... علوی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- (۴۰) کینی، رالف. تفکر ارزشی: راهی به سوی تصمیم‌گیری خلاق، ترجمه وحید وحیدی مطلق، مؤسسه مطالعات فرهنگ جهانی آینده، تهران، کرانه علم، ۱۳۸۱.
- (۴۱) لستر و چندلر، اقتصاد پول و بانکداری، ترجمه شریف ادیب سلطانی، شرکت اکونومیکا، ۱۳۵۳.
- (۴۲) لک زایی، شریف، آزادی سیاسی در اندیشه شهید مطهری و بهشتی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- (۴۳) لغتنامه انگلیسی آکسفورد.
- (۴۴) وردی نژاد، فریدون و ژینوس انصاری، تصمیم‌گیری استراتژیک، آستانه، ۱۳۹۱.
- (۴۵) مشرف جوادی، محمد حسین، نقش ویژگی‌های فردی در موفقیت سازمانی، نشریه: مدیریت «تدبیر»، بهمن ۱۳۸۱.
- (۴۶) محمدخانی، محمدرضا، جنبش نرم‌افزاری، اداره کل پژوهش‌های سیما، ۱۳۸۳.
- (۴۷) مطهری، مرتضی، مقاله «آزادی تفکر آری، آزادی عقیده خیر».
- (۴۸) مصباح یزدی، آیت الله محمدتقی، مقاله «آزادی باید انسان را به خدا نزدیک کند».
- (۴۹) یرس و رابینسون، برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، تهران: یادواره کتاب، ۱۳۷۶.

مقالات:

- (۵۰) راهبرد در نقش تصمیم‌گیری راهبردی، مجله تدبیر، خرداد ۱۳۸۱ - شماره ۱۲۲.
- (۵۱) صداقت‌گویان، حامد؛ خلاصه‌ای از معرفی مدیریت استراتژیک، سال انتشار (میلادی): ۲۰۰۵.
- (۵۲) طالبیان، احمدرضا؛ تغییر سازمانی راهبردی بانگ‌رَش نظام‌گرا.
- (۵۳) کنستانتین - سی - مارکیدز، دیدگاه پویای برنامه راهبردی، مترجم: آزاد مجیدی سرنسری.
- (۵۴) مفهوم و فرآیند راهبرد، مجله نگرش راهبردی، آذر و دی ۱۳۸۶ - شماره ۸۵ و ۸۶.
- (۵۵) هدایتی احمدرضا، تفکر و برنامه ریزی راهبردی، شهریور ۱۳۹۰، م، ۳۰.

مصاحبه‌ها:

- (۵۶) فیاضی، مسعود، مدیر کانون اندیشه جوان.
- (۵۷) خسرو پناه، عبدالحسین، رئیس مؤسسه حکمت و فلسفه ایران.
- (۵۸) جلیلی، وحید، سردبیر نشریه راه.
- (۵۹) کوشکی، محمدصادق، عضو هیئت علمی دانشگاه خواجه نصیر.

- (۶۰) یامین پور، وحید، مجری - کارشناس برنامه‌های تلویزیون.
- (۶۱) عباسی، حسن، رییس مرکز بررسی‌های دکتیرینال امنیت بدون مرز.
سخنان و بیانات مقام معظم رهبری:
- (۶۲) پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد
کرسی‌های نظریه‌پردازی ۱۳۸۱/۱۱/۱۶.
- (۶۳) بیانات در دیدار اعضای انجمن اهل قلم ۱۳۸۱/۱۱/۰۷.
- (۶۴) در دیدار رییس‌جمهور و هیأت وزیران ۸۴/۶/۸.
- (۶۵) بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۸۵/۳/۲۹.
- (۶۶) پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد
کرسی‌های نظریه‌پردازی ۱۳۸۱/۱۱/۱۶.
- (۶۷) در دیدار جمعی از اعضای تشکل‌ها، کانون‌ها، نشریات، هیئت‌های مذهبی و شماری از
نخبگان دانشجویی ۸۲/۸/۱۵.
- (۶۸) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در صحن جامع رضوی ۱/۱/۱۳۸۴.
- (۶۹) در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۸۴/۲/۱۹.
- (۷۰) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری
اسلامی ۱۳۸۵/۳/۲۹.
- (۷۱) در دیدار روحانیون استان سمنان ۸۵/۸/۱۷.
- (۷۲) ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه توسط رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۷/۱۰/۲۱.
- دیدار با اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۸/۶/۸.
- (۷۳) بیانات در جلسه با نخبگان سال ۸۸/۶/۸.
- (۷۴) بیانات در جلسه با نخبگان سال ۸۸/۶/۸.
- (۷۵) در دیدار جمعی از اساتید، فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم ۸۹/۸/۲.
- (۷۶) بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۹۰/۷/۱۳.
- (۷۷) پاسخ بیانات رهبر عزیز انقلاب به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه
علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی ۱۶/۱۱/۸۱.
- (۷۸) بیانات رهبر عزیز انقلاب در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۴/۶/۸۸.
- (۷۹) بیانات رهبر عزیز انقلاب در دیدار اعضای انجمن اهل قلم ۷/۱۱/۸۱.
- (۸۰) بیانات رهبر عزیز انقلاب در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۸/۶/۸۸.